**بسم الله الرحمن الرحیم**

**تحقیق وتخریج
فضایل اعمال یا تبلیغ نصاب**

**فضایل رمضان**

**بهمراه فهرست تفصیلی**

**محمد زکریا کاندهلوی**

**تخریج از احمد سعید حسین زائی**

**(مقابله با نسخه اصل به زبان اردو وچندین نسخه فارسی)**

**فهـــــرست**

**مقـدمه محقق**

**تخریج روایات مقدمه مولف**

**تخریج روایات باب اول در فضیلت رمضان**

**تخـریج** **روایات** **باب دوم در بیان شب قدر**

**تخریج روایات باب سوم در فضیلت اعتکاف**

**فهرســــــت**

**مقدمه محقق**
**تخریج** **روایات مقدمه مصنف**
تخریج **(1)** : اگر خداوند توسط تو یک شخص را هدایت کند از شتران سرخ ، حدیث صحیح است
تخریج **(2)** : اگر مردم بدانند رمضان چیست ؟ پس امت تمنا کند هر سال رمضان باشد ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(3)** : روزه رمضان وسه روز ، روزه در هر ماه زنگ دل و وساوس را دور می کند ، قسمت دوم صحیح است
تخریج **(4)** : صحابه در ماه رمضان در سفر جهاد اهتمام روزه می فرمودند ، صحت ندارد
تخریج **(\*)** : اجازت فرمودن باربار نبی اکرم ص برای افطار در سفر ، حدیث صحیح است
تخریج **(\*)** : حضور صلی الله علیه وسلم حکما در سفر از روزه منع می فرمودند ، حدیث صحیح است
تخریج **(5)** : روزه در سفر ، غفلت وعدم دقت مصنف در نقل یک حدیث ، واز جانب خود در حدیث اضاف کردن
**تخریج** **روایات** **باب اول در فضیلت رمضان**
تخریج**(6)** : سلمان فارسی در فضیلت ماه رمضان ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(7)** : تمام کلام الله شریف را در تراویح خواندن یا شنیدن سنت مستقل است ، صحت ندارد
تخریج **(8)** : که نماز همسایه مسجد در غیر مسجد ادا نمی شود ، صحت ندارد
تخریج **(9)** : نزول کتابهای آسمانی در ماه رمضان ، صحت ندارد
تخریج **(10)** : در امت من هر وقت پنجصد بزرگان برگزیده وچهل (قطب) ابدال باشند ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(11)** : هر کس گرسنه وبرهنه یا مسافری را ... خداوند او را از هولهای قیامت پناه می دهد ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(12)** : برمکی هر ماه سفیان راهزاردرهم می داد ،سفیان درسجده برایش دعا میکرد ، داستانی بی اساس وبدون سنداست.
تخریج **(13)** : هرکه روزه داری را افطارکناید براو فرشتگان رحمت فرستندو...جبرئیل با او مصافحه کند ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(14)** : حماد بن سلمه هر روز پنجاه نفر را افطار می دادند ، ابن سلمه اشتباه است درستش ابن ابی سلیمان است .
تخریج **(15)** : گفتگوی حضرت موسی با خداوند و طلب ذکر مخصوص ، صحت ندارد .
تخریج **(16)** : هر که با اخلاص کلمه توحید را بخواند درهای آسمان برایش فورا باز می شوند ، حدیثی حسن است .
تخریج **(17)** : هر که زیاد استغفارکند حق تعالی در هر تنگی برائش مخرج راه میسر می کندو ... ، صحت ندارد .
تخریج **(18)** : آدمی گناهکار می باشد بهترین گناهکار آن است توبه می کند ، حدیثی حسن است .
تخریج **(19)** : آدمی چون گناه کند نقطه سیاهی بر دلش پیدا می شود اگر توبه می کند ... ، حدیثی حسن است .
تخریج **(20)** : امت من پنج چیز در رمضان داده شده که امتهای قبلی را داده نشدند ، صحت ندارد .
تخریج **(21)** : جزای روزه را خودم می دهم چون آن خالصتا برای من است ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(22)** : روزه دروازه همه عبادتهاست ، صحت ندارد .
تخریج **(23)** مسئله : بنابر حدیث های متعلقه بر بعض ائمه مسواک کردن روزه دار را بوقت شام منع می فرمایند .
تخریج **(24)** : چون الله ج بنده ای را دوست بدارد به جبرئیل می فرماید که مرا فلان شخص پسند است ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(25)** : قاعده عام است که هر کسی را محبت با هم نشینان باشد**:** این قاعده نیست بلکه حدیثی صحیح در بخاری ومسلم است
تخریج **(26)** : که انسان چون گناه می کند در قلب او یک نقطه سیاه پیدا می شود اگر او توبه صادق کند
تخریج **(27)** : سه بار آمین گفتن پیامبر ص بر سر منبر در حق سه سه نفر ، حدیث صحیحی است
تخریج **(28)** : نام مبارک نبی اکرم ص برده شود ودرود نفرستد بدبخترین وبخیل ترین فرد است ، حدیث صحیحی است
تخریج **(29)** : بهترین دروازه از دروازه های بهشت پدر است اگر خواستی آنرا حفاظت کن یا ضایع بگردان .... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(30)** : حق والدین چیست ؟ فرمودند : آنها برای تو بمنزله بهشت اند یا بمنزله دوزخ ، صحت ندارد .
تخریج **(31)** : نگاه فرزند مطیع همراه با محبت به سوی پدر ثواب یک حج قبول شده را دارد ، ساختگی ودروغین است
 تخریج **(32)** : الله ج بجز شرک تمام گناهان را عفو می فرماید مگر سزای نافرمانی والدین ... ، صحت ندارد
تخریج **(33)** : یک صحابی گفت من قصد جهاد دارم حضرت ص پرسیدند : آیا مادرت زنده است ؟ حدیث صحیحی است .
تخریج **(34)** : رضای الله ج در رضای پدر است ونارضایتی الله ج در نارضایتی پدر است ، حدیث صحیحی است .
تخریج **(35)** : کسی که والدین او در حال نافرمانی فرزند مرده اند اگر به کثرت برای آنها دعا واستغفار کند ... ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(36)** : بهترین نیکی بعد از مرگ پدر خوشرفتاری با دوستان اوست، حدیث صحیحی است .
تخریج **(37)** : رمضان ماه برکت در این ماه رحمت خدا بر شما نازل می وشما را می پوشاند ... ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(38)** : زنان مسلمان هندی روزانه پانزده الی بیست جز از قران را تلاوت می کنند ، این عمل مخالف دستور پیامبر ص است
تخریج **(39)** : شبانه روز در رمضان زندانیانی از جهنم آزاد می شوند ، حدیثی صحیح است
تخریج **(40)** : در وقت افطار دعا قبول می شود ، صحت ندارد .
تخریج **(41)** : دعای افطار این است : اللهم لک صمت وبک آمنت وعلیک توکلت وعلی رزقک أفطرت ، صحت ندارد
تخریج **(42)** : عبدالله بن عمروموقع افطاراین دعارامیخواند : اللهم إني أسألك برحمتك التي ... ، صحت ندارد
تخریج **(43)** : آنحضرت ص موقع افطار این دعا نقل شده : یا واسع الفضل اغفرلی ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(44)** : سه نفرند دعایشان رد نمی شود : روزه دار تا زمانی که افطار بکند ، رهبر عادل ، ستمدیده ، با این الفاظ صحت ندارد
تخریج **(45)** : هرگاه رمضان میرسیدرنگ چهره آنحضرت ص عوض می شدوبرنمازش اضافه می شد ، صحت ندارد
تخریج **(46)** : آنحضرت صلى الله عليه وسلم تا پایان رمضان به رختخواب نزدیک نمی شدند ، صحت ندارد
تخریج **(47)** : الله ج در رمضان به حاملین عرش دستور می دهد که عبادتهای خود رارها کرده بردعاهای ... ، صحت ندارد
تخریج **(48)** : روز قیامت الله ج بنده اش را خواسته می فرمایند : ای بنده من به تو دستوردعاداده بودم ... ، صحت ندارد
تخریج **(49)** : جان واولادو...خود را دعای بد نکنید مبادادعاباآن اوقات قبولیت همزمان گشته وقبول شود ... ، حدیثی صحیح است
تخریج **(50)** : کسیکه درماه رمضان الله ج رایادکندبخشوده میشودوکسیکه چیزی طلب کندنامراد نمیشود ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(51)** : در هر شب رمضان یک منادی صدا می کند که ای خواهان خیر متوجه شو ... ، صحت ندارد
تخریج **(52)** : بسیاری ازآدمهای پریشان هستندکه دستهارابسوی آسمان درازکرده دعامیکنند ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(53)** : در شهرکوفه مردانی وجود داشتند که دعایشان قبول می شد که هر گاه حاکمی ظالم ... ، صحت ندارد
تخریج **(54)** : إن الله وملائكته يصلون على المتسحرين، حدیثی حسن است
تخریج **(55)** : فرق میان روزه ما وروزه اهل کتاب سحری خوردن است آنها سحری نمی خورند ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(56)** : در سه چیز برکت وجود دارد : در جماعت در ثرید وخوردن سحری . حدیثی حسن است
تخریج **(57)** : هر گاه رسول الله ص یکی را به سحری دعوت می کرد می فرمودند : بیا غذای با برکت بخور ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(58)** :با خوردن سحری بر روزه گرفتن قوت حاصل کنید واز خوابیدن در نیمروز برای بلند شدن ... ، صحت ندارد
تخریج **(59)** : فرمودند این یک چیز پر برکتی است که الله جل جلاله به شما عطا فرموده آنرا ترک نکنید ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(60)** : اگر چیز دیگری برای سحری نباشد یک دانه خرمای خشک بخورد یا یک جرعه آب بنوشد ... ، صحت ندارد
تخریج **(61)** : روزه گرفتن در سفر عمل نیکی نیست ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(62)** : وسلم رب صائم ليس له من صيامه إلا الجوع ورب قائم ليس له من قيامه إلا السهر ...حدیثی حسن است
تخریج **(63)** : الصيام جنة ما لم يخرقها ... ، صحت ندارد
تخریج **(64)** : روزه حفاظت است از عذاب الله جل وجلاله ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(65)** : روزه از جهنم حفاظت می کند ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(66)** : روزه با چه چیز پاره می شود ؟ آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند : با دروغ وغیبت . . ، صحت ندارد
تخریج **(67)** : که نگاه تیری است از تیرهای شیطان هر کس بخاطر خوف الله جل وجلاله از. . ، صحت ندارد
تخریج **(68)** : روزه برای انسان سپر است ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(69)** : در زمانه رسول الله ص دو زن روزه گرفته بودند در حالت روزه بقدری گرسنه شدند که... ، صحت ندارد
تخریج **(70)** : روزی رسول الله ص چند نفر را دیدند به آنها فرمودند که دندانهای خود را خلال کنید... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(71)** : شخصی از رسول الله ص پرسید پرسید غیبت چیست ؟ آنحضرت ص... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(72)** : یک بار رسول الله ص از کنار دو قبر گذشتند ، فرمودند : که این هر دو مبتلای ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(73)** : ربا بیش از هفتاد نوع است که کمترین وسبک ترین آن ، برابر زنا با مادر است ویک درهم صحت ندارد
تخریج **(74)** :غیبت کننده وشنونده هر دو گناه در گناه مشترک اند. صحت ندارد
تخریج **(75)** : که شیطان در بدن انسان همانند خون جریان دارد ، وشما راه های او را بوسیله گرسنگی ببندید ... صحت ندارد
تخریج **(76)** : شخصی نزد بشر حافی رفت دید که او از سرما می لرزد در حالیکه لباسهایش رادرآورده کنارخود ...، صحت ندارد
تخریج **(77)** : که پر کردن هیچ ظرفی به بارگاه الله جل وجلاله مانند پر کردن شکم ناپسند نیست ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(78)** : رسول الله ص تا چندین روزپشت سرهم روزه می گرفت و در این میان هیچی نمی خورندد... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(79)** : بسیار قران خوانان هسند که قران مجید بر آنها لعنت می کند...، صحت ندارد
تخریج **(80)** : روز قیامت کسی که قبل از همه درباره آنها قضاوت می شود مردی شهید وعالم وثروتمند ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(81)** : من أفطر يوما من رمضان من غير رخصة ولا مرض لم يقضه صوم الدهر کله و ان صامه. صحت ندارد
تخریج **(82)** : روایت ابن عباس است که بنیاد اسلام بر سه چیز است : کلمه شهادت ، نماز ، و روزه ... الخ . . صحت ندارد
تخریج **(83)** : اگر شخصی در ماه رمضان آشکارا بدون عذر روزه بخورد باید کشته شود .
**تخریج** **روایات** **باب دوم در بیان شب قدر**
تخریج **(84)** : که الله ج شب قدر را به امت من عطا فرموده ، چنین شبی به امتهای گذشته نرسیده است، ساختگی ودروغین است
تخریج **(85)** : رسول الله ص عمر امتهای گذشته را دیدکه خیلی زیاد بوده است وعمر این امت خیلی کم است... ، صحت ندارد
تخریج **(86)** : رسول الله ص مردی از بنی اسرائیل را ذکر فرمود که اوهزار ماه در راه الله جهادکرده بود... ، صحت ندارد
تخریج **(87)** : رسول الله ص چهار تن از پیامبران بنی اسرائیل : ایوب، زکریا، حزقیل ، یوشع را ذکر، ساختگی ودروغین است
تخریج **(88)** : در شب قدر حضرت جبرئیل به همراه جمعی از فرشتگان فرود می آید وهر شخصی را که ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(89)** : در شب لیلة القدر حضرت عیسی به آسمان برده شد ودر همین شب توبه بنی اسرائیل قبول شد...، صحت ندارد
تخریج **(90)** : من قام ليلة القدر إيمانا واحتسابا، غفر له ما تقدم من ذنبه ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(91)** : إن هذا الشهر قد حضركم وفيه ليلة خير من ألف شهر من حرمها فقد حرم الخير كله ولا يحرم ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(92)** : حضرت عمر فاروق رض بعد از نماز عشا که به خانه می رفت تا صبح به نماز مشغول می شد...، صحت ندارد
تخریج **(93)** : عثمان رض تمام روز ، روزه می گرفت وتمام شب تا صبح به نماز می پرداخت ، فقط در ...، صحت ندارد
تخریج **(94)** : حضرت عثمان غنی رض در یک رکعت از نمازهای شب تمام قران مجید را تلاوت ...، صحت ندارد
تخریج **(95)** : درباره چهل نفر از تابعین به تواتر ثابت شده است که آنها نماز صبح را با وضوی عشاء ...، صحت ندارد
تخریج **(96)** : شداد رض در تمام شب پهلو عوض می کرد وخوابش نمی برد می گفت یا الله ترس آتش خوابم ...، صحت ندارد
تخریج **(97)** : اسود بن یزید در ماه رمضان فقط بین مغرب وعشاء کمی خوابیده وبس ....، صحت ندارد
تخریج **(98)** : سعید بن مسیب نقل شده که تا پنجاه سال نماز صبح را با وضوی عشا خوانده است...، صحت ندارد
تخریج **(99)** : صله بن اشیم تمام شب نماز می خواند ودعا می کرد : یا الله من لایق نیستم که بهشت را تقاضا کنم ...، صحت ندارد
تخریج **(100)** : قتاده در تمام رمضان در هر سه شب یکبار ختم قران می کرد ولی در ده شب آخر هر شب یکبار...، صحت ندارد
تخریج **(101)** : درباره امام ابوحنیفه رح آمده است که تا چهل سال نماز صبح را با وضوی... ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(102)** : ابراهیم بن ادهم در رمضان مبارک نه در روزها می خوابید ونه در شبها ...، صحت ندارد
تخریج **(103)** : امام شافعی در کل رمضان مبارک در نمازهای روز وشب شصت بار قران مجید را ختم می کرد ...، صحت ندارد
تخریج **(104)** : ای ابن آدم تو برای عبادت من فارغ شو من سینه ات را از غنا پر می کنم وفقرت را دور ... حدیث صحیحی است
تخریج **(105)** : " إذا كان ليلة القدر نزل جبريل في كبكبة من الملائكة يصلون على كل عبد قائم أو ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(106)** : فرشتگان بنا به دستور جبرئیل ع متفرق می شوند وهیچ خانه بزرگ یا کوچکی وهیچ مزرعه یا بیابانی ...، صحت ندارد
تخریج **(107)** : تحروا ليلة القدر في الوتر ، من العشر الأواخر من رمضان» . ... حدیث صحیحی است
تخریج **(108)** : خرجت لأخبركم بليلة القدر، فتلاحى فلان وفلان، فرفعت وعسى أن يكون خيرا لكم، ... حدیث صحیحی است
تخریج **(109)** : آیا به شما چیزی نشان دهم که از نماز وروزه وصدقه وغیره از همه افضل است ؟ ... حدیث صحیحی است
تخریج **(110)** : که هر کس بیش از سه روز با برادر مسلمان خود قطع رابطه کند ، اگر در این حالت بمیرد ... حدیث صحیحی است
تخریج **(111)** : هر در هر دوشنبه وپنجشنبه اعمال بندگان به بارگاه الله ج پیش می شوند بجز از مشرکین ،... حدیث صحیحی است
تخریج **(112)** : در شب برات (شب پانزدهم شعبان) رحمت عامه الله ج به طرف مخلوقات متوجه می شود، حدیثی حسن است .
تخریج **(113)** : سه کس چنان اند که نماز آنها برای مقبولیت یک وجب هم از سرشان بالاتر نمی رود از...، صحت ندارد
تخریج **(114)** : مشروعیت نماز خواندن زنان در مسجد با جماعت است
تخریج **(115)** : دیدند که یک صحابی خوابیده آنحضرت ص به حضرت علی فرمودند که اورا بیدار کن تا وضو...، صحت ندارد
تخریج **(116)** : در عبادت رمضان ، الله ج جلوی ملائکه افتخار می فرماید ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(117)** : عادت الله ج بر این است که چیزهای مهم را مخفی نگاه دارد مثل اسم اعظم که آن را مخفی ...، صحت ندارد
تخریج **(118)** : شد بیست ودوم آنحضرت ص فرمودند : امشب (بیست وسوم) لیلة القدر را تلاش کنید . ، حدیثی حسن است .
تخریج **(119)** : شب قدر به زمان رسول خدا ص اختصاص دارد یا بعد از آن هم ادامه دارد ؟ فرمودند : تا قیامت ...، صحت ندارد
تخریج **(120)** : از بعضی روایات بطور معین شب بیست وچهارم شب قدر معلوم می شود ...، صحت ندارد
تخریج **(121)** : هر کس تمام شبهای سال بیدار باشد می تواند شب قدر را دریابد ، شخصی این گفته را برای ابی ...، صحت ندارد
تخریج **(122)** : عبدالله بن مسعود جستجوی شب قدر را در تمام سال از رسول اکرم ص نقل کردند...، صحت ندارد
تخریج **(123)** : نزد من قول کسانی که می گویند در تمام سال واقع می شود صحیح تر است زیرا من دوبار آنرا در ...، صحت ندارد
تحقیق **(\*\*\*)** : محی الدین ابن عربی ملحد است یا شیخ العارفین ؟ !
تخریج **(124)** : شاه ولی الله می گوید : شب قدر به رمضان اختصاص ندارد ودر تمام سال واقع می شود...، صحت ندارد
تخریج **(125)** : آنحضرت به یک صحابی شب بیست وسه را بطور تعیین ارشاد فرمودند وابن عباس رض می ...، صحت ندارد
تخریج **(126)** : أنه سأل رسول الله ص عن ليلة القدر فقال: في رمضان في العشر الأواخر فإنهما في ليلة وتر ...، صحت ندارد
تخریج **(127)** : عبده بن ابی لبابه می فرماید : من شب بیست وهفتم رمضان آب دریا را چشیدم کاملا شیرین بود .
تخریج **(128)** : ایوب بن خالد می گوید : شبی من احتیاج به غسل پیدا کردم با آب دریا غسل کردم آب دریا ...، صحت ندارد
تخریج **(129)** : عایشه می گوید گفتم یارسول خداص درشب قدر چه دعایی بخوانم فرمودند: اللهم إنك عفو تحب ، حدیثی حسن است .
تخریج **(130)** : حضرت سفیان ثوری می گوید : در شب لیلة القدر اشتغال به دعا از عبادتهای دیگر بهتر است...، صحت ندارد
**تخریج روایات باب سوم فضیلت اعتکاف**
تخریج **(131)** : هدف از اعتکاف این است که دل را به ذات پاک الله ج وابسسته کند
تخریج **(132)** : اگر اعتکاف با اخلاص باشد
تخریج **(133)** : اگر شخصی یک دست به من نزدیک شود من به اندازه دو دست به او نزدیک می شوم...
تخریج **(134)** : أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يعتكف في العشر الأوسط من رمضان، فاعتكف عاما، حتى... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(135)** : در دهه آخر آنحضرت ص کمر را محکم می بست وشبها را زنده نگه می داشت واهل خانه را بیدار ... الخ .
تخریج **(136)** : أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال في المعتكف «هو يعتكف الذنوب، ويجرى له ...، صحت ندارد
تخریج **(137)** : عن ابن عباس أنه كان معتكفا في مسجد رسول الله ص فأتاه رجل فسلم عليه ثم جلس ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(138)** : هر شخصی در دهه رمضان اعتکاف بکند به او ثواب دو حج ودو عمره می رسد ...، صحت ندارد
تخریج **(139)** : هرشخصی ... از مغرب تا عشا اعتکاف کند ، الله ج برای او در بهشت یک قصر خواهد ساخت ...، صحت ندارد
تخریج **(140)** : حدیث : اتق دعوة المظلوم . ... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(141)** : إن الجنة لتبخر وتزين من الحول إلى الحول لدخول شهر رمضان فإذا كانت أول ليلة من شهر رمضان هبت ريح
تخریج **(142)** : مفلس در میان امت من شخصی است که روز قیامت با اعمال نیک در میدان محشر... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(143)** : روز قیامت حضرت نوح ع خواسته می شود واز او پرسیده می شود آیا تو حق رسالت را ادا... ، حدیث صحیحی است
تخریج **(144)** : روز قیامت ، الله ج یک بنده مومن را پیش خود می خواند وبر او پرده ...، صحت ندارد
تخریج **(145)** : هر شخصی به نیت ثواب در شبهای هر دو عید بیدار باشد ودر عبادت مشغول باشد قلب ، ساختگی ودروغین است
تخریج **(146)** : هرکه در پنج شب برای عبادت بیدار بماند برای او جنت واجب می گردد یکم : شب ترویه ...، صحت ندارد
تخریج **(147)** : بزرگان ارشاد فرموده اند به شبهای جمعه در رمضان مبارک باید اهتمام خاصی ورزید ...، صحت ندارد
تحقیق **(\*\*\*)** : حکم قیاس در عبادات ، وشب زنده داری شب جمعه ، بدعت است

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**مقدمه محقق**

بعد از حمد وثنا برای ذات یکتا ودرود فراوان بر حضرت محمد وخاندان ویارانش

این مکتوبات تحقیق وتخریجی هستند بر مجموعه رسائل کاندهلوی در فضائل اعمال ، در سال 1374 هـ ش ، این عمل را شروع کرده بودم و احادیث عربی وبعضی از احادیث فارسی فضائل اعمال قدیمی را که بنام نصاب تبلیغ معروف بود اختصارا تخریج کردم ، پیدا کردن احادیث وآثار فارسی در کتب عربی کار بسیار سختی است ودیگر اینکه مولف منابع بعضی از احادیث فارسی را ذکر نکرده توانستم با کمک گرفتن از بعضی دوستان واساتید کمک فراوانی بگیرم ودر سالهای اخیر با آمدن نرم افزار های قابل جستجو در متون کتب مطالعه وتحقیق آسان تر شده وبا وجود سایتهای کتابهای خطی ونایاب در اینترنت که در دسترس همگان است کمک بسیار شایانی به دانش پژوهان ومحققین شده است با کمکی گیری از این ابزار تحقیق وتخریج سریعا انجام می گیرد بشرطی که بیشترین اعتماد بر روی کتابهای چاپی باشد وگرنه این کار هیچ ارزشی نخواهد داشت ودر سال 1388 و1389 به جمع آوری احادیث فضائل صدقات وفضائل حج پرداختم واین دو کتاب هم مشکلات فوق را داشتند واما امسال ماه مبارک رمضان فرصتی شد تا بار دیگر از تحقیقات قبلی استفاده نموده واحادیث وآثار کتاب فضائل رمضان را کاملا تخریج بنمایم وحاصل این تحقیق تخریج 150 مورد شد که 20 مورد احادیث موضوعه هستند و70 مورد روایات بسیار ضعیف ، وحدود 10 مورد احادیث حسن یا احادیث ضعیفه قابل نقل در فضائل اعمال بنابر اصول بعضی از محدثین ، وحدود 40 مورد احادیث صحیحه وباقیمانده مسائل متفرقه هستند ، ونسخه هایی که در تحقیق استفاده کرده نسخه قدیمی تبلیغی نصاب است ونسخه های جدید ترجمه فارسی در ایران وافغانستان وپاکستان هستند : تبلیغی نصاب ترجمه شده توسط محمد اشرف استاد جامعه پشاور ومحمد یوسف البرجوی استاد جامعه پشاور ، فضائل اعمال ترجمه شده توسط مولوی عبدالرحمن محبی ومولوی عبد المجیدی مراد زهی خاشی و دهواری ، فضائل اعمال ترجمه شده توسط مولوی قمر الدین کابلی چمنی ، فضائل اعمال نسخه دوم به زبان اردو ، تبلیغی نصاب اردو قدیمی نسخه اصلی است زمانی که گروه جماعت تبلیغ موج آماج حملات مخالفین قرار گرفتند رساله فضائل درود که از دیگاه مخالفین مملو از خرافات وشرکیات است حذف گردید که بطور کامل در نسخه فارسی هنوز وجود دارد اما تجدید چاپ نمی شود وفضائل اعمال همان کتاب است با حذف فضائل درود واضاف یک رساله در آخرش ، بعضی از احادیث غیر عربی در فضائل رمضان به زبان عربی در دیگر رساله های فضائل نویسنده یافت می شوند لذا از کلیه رساله برای پیدا کردن متن عربی استفاده کرده ام من جمله : فضائل صدقات ترجمه فارسی ، ترجمه فارسیش توسط دهواری دارای اشکالات است بعضی موارد را ترجمه کامل نکرده ودر بعضی موارد به علت عدم شناخت اصطلاحات صوفیه وآشنایی به زبان اردو اشتباه ترجمه کرده ، فضائل صدقات به زبان اردو ، فضائل اعمال عربی ، اخیرا به زبان عربی ترجمه شده اما با حذف بعضی از احادیث ضعیفه وموضوعه اما هنوز هم احادیث موضوعه وضعیفه در آن یافت می شود ، فضائل حج به زبان اردو ، فضائل حج ترجمه فارسی توسط مولوی عبدالرحمن محبی ، در هند وپاکستان هر یک از این رساله ها مستقلا جداگانه چاپ شدند .

علت تخریج وتحقیق روایات این رسائل :
امروزه بر کسی پوشیده نیست در شبه قاره هند ودر مناطق اهل سنت ایران وتاجیکستان وافغانستان ودر بعضی از مناطق دیگر مثل آفریقای جنوبی وغیره جماعت تبلیغ فعال هستند ومنابع مهمشان برای کار دعوت بزعم خودشان رسائل فضائل کاندهلوی هستند ومخالفین جماعت تبلیغ از قبیل اهل حدیث وجماعت اسلامی وشیعه های هند وپاکستان وحزب اخوان وسلفی های عربستان کتبی در رد این فرقه نوشته اند یا شفاها در سخنرانیهایشان بیان داشتند ودر لابلای این کتب بعضی از احادیث را نقد کردند وتا به امروز هیچ کس کاملا چه از خود این جماعت یا از گروه مخالفین تحقیق وتخریج نکرده وفقط بعضی از اصحاب جماعت از قبیل محمد زکریا خودش والیاس گهمن ودیگران فقط حالت دفاع از جماعت گرفته وبرخی اعتراضات را بزعم خود جواب دادند وبیشترین رد بر فرقه تبلیغی به گروه اهل حدیث شبه قاره اختصاص دارد ، من جمله سخنرانیهای صوتی وتصویری معراج ربانی وشیخ توصیف الرحمن راشدی وکتاب السراج المنير في تنبيه جماعة التبليغ علي أخطائهم از دكتور محمد تقي الدين الهلالي الحسيني متوفای 1399 هـ حدود سی سال پیش این رساله را نوشته وکتاب جماعة التبليغ في شبه القارة الهندية عقائدها تعريفها از سيد طالب الرحمن شاه پاکستانی به دو زبان اردو وعربی وکتاب القول البليغ في التحذير من جماعة التبليغ از حمود بن عبدالله بن حمود التويجري عربستانی وکتاب ديوبندي اور تبليغي جماعت تباه كن صوفيت كا عقيده از عطاء الله ديروي وکتاب تبليغي جماعت كا تحقيقي جائزه از عبيدالرحمن محمدي وکتاب جماعة التبليغ في الهند از محمد جنيد وده ها کتاب دیگر در رد جماعت التبلیغ نوشته شده ، بزرگترین اعتراضی که بر این فرقه وارد می کنند وجود الفاظ شرکیه وخرافات در این رسائل است ودیگر اینکه محتوی احادیث جعلی ودروغین وضعیفه هستند اخیرا برای جذب عربهای سلفی جماعت تبلیغ کتاب فضائل درود را کاملا از نصاب خود حذف کردند واکثرا مطالب فضائل اعمال را در نسخه عربی هم حذف نمودند واخیرا کتابهای در وحدت با سلفیت عربستان نوشتند از قبیل مشائخ نجد اور جماعت تبلیغ به زبان اردو وکتاب تبليغي جماعت كا بي لاگ جايزه از ابوبكر الجزايري سلفی به دو زبان اردو وعربی واخیرا آقای ابوبکر الجزائری از حمایت جماعت تبلیغ دست کشیده وکتاب جلاء الاذهان عما اشتبه في جماعة التبليغ لبعض اهل الايمان از كبار العلماء في السعودية ، اما با وجود این هم نزدیک کردن خود به سلفی ها از فعالیت فرقه تبلیغ در عربستان جلوگیری می شود ، در منطقه ما یعنی استان سیستان وبلوچستان کتاب های فضائل اعمال وغیره از قداست بالائی برخوردارند در اکثر منازل ومساجد این کتب وجود دارند وتلاوت می شوند ممکن است در طول عمر کتاب آسمانی قران یا ترجمه فارسی آن خوانده نشود ولی خواندن هر روزه این کتاب در مساجد فوت نمی گردد وقتی ما در منطقه خودمان شروع به نقد این کتاب کردیم بعضی از ملاها سخنان مارا تکذیب کردند که در این کتاب احادیث دروغین وضعیف والفاظ شرکیه وجود ندارد به همین علت دست به قلم شده شرکیات وخرافات وروایات جعلی ودروغین موجود در این رسائل فضائل خصوصا فضائل رمضان را برای عموم واهل علم مستند با ذکر منابع آشکار کردیم ودیگر فضائل در دست تحقیق وتخریج هستند .

توضیح بعضی از اصطلاحات :

یکم رمضان 1390

**نقد احادیث مقدمه**

 **(1) می گوید :** ارشاد حضور ص است اگر حق تعالی شانه بسبب تو یک شخص را هدایت بفرماید پس برایت از شتران سرخ بهتر وافضل است .

**می گویم :** این قسمتی از یک حدیث صحیح است که کتب ستة همگی روایت نمودندو متن کامل حدیث از صحیح بخاری : عن ابن سعد، قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم يوم خيبر: «لأعطين الراية غدا رجلا يفتح على يديه، يحب الله ورسوله، ويحبه الله ورسوله» ، فبات الناس ليلتهم أيهم يعطى، فغدوا كلهم يرجوه، فقال: «أين علي؟» ، فقيل يشتكي عينيه، فبصق في عينيه ودعا له، فبرأ كأن لم يكن به وجع، فأعطاه فقال: أقاتلهم حتى يكونوا مثلنا؟ فقال: «انفذ على رسلك حتى تنزل بساحتهم، ثم ادعهم إلى الإسلام، وأخبرهم بما يجب عليهم، فوالله **لأن يهدي الله بك رجلا خير لك من أن يكون لك حمر النعم**» (صحيح البخاري 4/ 60)

**(2) می گوید :** در حدیثی است که اگر مردم را معلوم شود که رمضان چه چیز است ؟ پس امت من این تمنا کند که همه سال رمضان باشد .
 **می گویم :** این قسمتی از یک حدیث دروغین وساختگی است که بیهقی در شعب الایمان ودیگران روایت کردند ، در سندش جریر بن ایوب است ، عینی حنفی در شرح بخاری وابونعیم می گویند : جریر بن ایوب البجلی حدیث وضع می کند ودیگر محدثین هم شدیدا وی را ضعیف قرار دادند .

**(3) می گوید :** در حدیثی ارشاد است که روزه های رمضان المبارک وسه روز ، روزه در هر ماه زنگ دل و وساوس را دور می کند .

**می گویم :** با این الفاظ هر چه گشتم ندیدم ، اما قسمت دوم این حدیث : سه روز ، روزه در هر ماه وساوس را دور می کند ، در قسمتی از یک حدیث در سنن نسائی(4/208) آمده ، شیخ آلبانی می گوید : صحیح است .

**(4) می گوید :** صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین در ماه رمضان در سفر جهاد با وجود باربار اجازت فرمودن نبی کریم صلی الله علیه وسلم برای افطار اهتمام روزه می فرمودند حتی که حضور صلی الله علیه وسلم حکما منع فرمودند .

**می گویم :** در این سه مسئله مطرح گردیده یکی اینکه صحابه در سفر جهاد روزه می گرفتند ودومی اجازت نبی کریم ص برای افطار در سفر وسومی منع نبی کریم ص از روزه در سفر .

**مسئله اول :** که صحابه در ماه رمضان در سفر جهاد اهتمام روزه می فرمودند ، می گویم : این اشتباه محض است احادیث صحیح بی شماری وجود دارد که صحابه در سفر جهاد عده ای روزه بودند وعده ای روزه خود را خورد وحتی در یک جنگ رسول اکرم ص روزه خود را خوردند ( مجمع الزوائد ومنبع الفوائد 3/ 158 ) عن جابر بن عبد الله رضي الله عنهما، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم خرج عام الفتح إلى مكة في رمضان فصام حتى بلغ كراع الغميم، فصام الناس، ثم دعا بقدح من ماء فرفعه، حتى نظر الناس إليه، ثم شرب، فقيل له بعد ذلك: إن بعض الناس قد صام، فقال: «أولئك العصاة، أولئك العصاة» (صحيح مسلم 2/785)

**مسئله دوم :** اجازت فرمودن باربار نبی اکرم ص برای افطار در سفر ، می گویم در این مورد احادیث صحیحی وجود دارد که حضرت ص صحابه را تشویق به افطار در سفر می کردند در حدیث صحیح متفق علیه است : فقال: «ليس من البر الصوم في السفر» (صحيح البخاري 3/ 34) روزه در سفر از کمال نیکی نیست .

**مسئله سوم :** حتی حضور صلی الله علیه وسلم حکما در سفر از روزه منع می فرمودند ، می گویم : در سفرهای جنگ وجهاد نبی کریم ص مستقیما از روزه نهی نفرمودند بلکه یکی روایتی در صحيح مسلم (2/785) آمده : *جابر بن عبد الله رضي الله عنهما، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم خرج عام الفتح إلى مكة في رمضان فصام حتى بلغ كراع الغميم، فصام الناس، ثم دعا بقدح من ماء فرفعه، حتى نظر الناس إليه، ثم شرب، فقيل له بعد ذلك: إن بعض الناس قد صام، فقال: «أولئك العصاة، أولئك العصاة*» محقق کتاب محمد فؤاد عبد الباقي اینگونه شرح می دهد *(أولئك العصاة أولئك العصاة) هكذا هو مكرر مرتين وهذا محمول على من تضرر بالصوم أو إنهم أمروا بالفطر أمرا جازما لمصلحة بيان جوازه فخالفوا الواجب وعلى التقديرين لا يكون الصائم اليوم في السفر عاصيا إذا لم يتضرر به ويؤيد التأويل الأول قوله في الرواية الثانية إن الناس قد شق عليهم الصيام] انتهی کلامه* . ودر بعضی روایات تشویق به افطار می کردند وعده از صحابه روزه می گرفتند وعده ای افطار می کردند ! .

**(5) می گوید :** در یک حدیث مسلم شریف است که صحابه کرام رضی الله عنهم در یک سفر یک غزوه بر منزلی پیاده شدند گرمی نهایت شدید بود بوجه غربت این قدر لباس هم نداشتند که از تپش آفتاب حفاظت کند بسیار مردم به سایه دست خود را از شعاع آفتاب حفاظت می کردند در چنان حالت بسیاری از روزه داران چنان بودند که تحمل ایستادن هم نداشتند بلکه افتادند گویا یک جماعتی از صحابه کرام رضی الله عنهم همیشه تمام سال روزه دار می بودند .

**می گویم :** آقای کاندهلوی منبع این حدیث را ذکر کرده که در صحیح مسلم است وغفلت وعدم دقت ایشان را ببینید که چگونه حدیث را بر عکس نقل کرده ودر حدیث چیزی دیگر است وایشان چیزی دیگر بیان می کند ، در صحیح مسلم جلد دوم صفحه 790 آمده : عن أبي الدرداء رضي الله عنه، قال: « **خرجنا مع رسول الله *صلى الله عليه وسلم* في شهر رمضان في حر شديد، حتى إن كان أحدنا ليضع يده على رأسه من شدة الحر، وما فينا صائم، إلا رسول الله صلى الله عليه وسلم وعبد الله بن رواحة** » یعنی حضرت ابو درداء رضی الله عنه می فرماید : بهمراه رسول خدا صی الله علیه وسلم در ماه رمضان در گرمای شدید بیرون رفتیم ، از شدت گرما دستهایمان را بروی سرمان می گذاشتیم ودر میان ما ( صحابه ) کسی روزه نبود مگر رسول خدا صلی الله علیه وسلم وعبد الله بن رواحة .

اگر متن فضائل رمضان در این حدیثی که نقل کرده با متن صحیح مسلم مقایسه شود می بینیم اختلاف زیادی وجود دارد وحتی آقای کاندهلوی از جانب خود چیزهای اضاف کرده وچیزهایی را از قلم انداخته من جمله :

= بر منزلی پیاده شدند ، در صحیح مسلم آمده بهمراه رسول خدا ص بیرون آمدیم .
= بوجه غربت لباس نداشتند ، در صحیح مسلم در این مورد چیزی نوشته نشده .
= در چنان حالت بسیاری از روزه داران چنان بودند ، در صحیح مسلم بر عکس آمده که هیچ یک از ما روزه نبود .
= تحمل ایستادن هم نداشتند بلکه افتادند ، در صحیح مسلم در این مورد چیز نوشته نشده .
= گویا یک جماعتی از صحابه کرام رضی الله عنهم همیشه تمام سال روزه دار می بودند ، این جمله منکر است ، زیرا نبی کریم ص از روزه پشت سرهم نهی کرده ، چگونه صحابه نافرمانی رسول الله ص را می کنند وجماعتی از آنها در طول سال روزه می گیرند ! ؟ .
= در حدیث مسلم آمده که نبی کریم ص وعبدالله بن رواحه روزه بودند ولی کاندهلوی ذکرش نکرده .
= در حدیث آمده که این در ماه مبارک رمضان بود ولی جناب محدث چیزی نگفته .

**تخریج** **روایات** **باب اول در فضیلت رمضان**

**(6) می گوید :** عن سلمان قال: خطبنا رسول الله صلى الله عليه وسلم في آخر يوم من شعبان فقال: «أيها الناس قد أظلكم شهر عظيم، شهر مبارك، شهر فيه ليلة خير من ألف شهر، جعل الله صيامه فريضة، وقيام ليله تطوعا، من تقرب فيه بخصلة من الخير، كان كمن أدى فريضة فيما سواه، ومن أدى فيه فريضة كان كمن أدى سبعين فريضة فيما سواه، وهو شهر الصبر، والصبر ثوابه الجنة، وشهر المواساة، وشهر يزداد فيه رزق المؤمن، من فطر فيه صائما كان مغفرة لذنوبه وعتق رقبته من النار، وكان له مثل أجره من غير أن ينتقص من أجره شيء» ، قالوا: ليس كلنا نجد ما يفطر الصائم، فقال: " يعطي الله هذا الثواب من فطر صائما على تمرة، أو شربة ماء، أو مذقة لبن، وهو شهر أوله رحمة، وأوسطه مغفرة، وآخره عتق من النار، من خفف عن مملوكه غفر الله له، وأعتقه من النار، واستكثروا فيه من أربع خصال: خصلتين ترضون بهما ربكم، وخصلتين لا غنى بكم عنهما، فأما الخصلتان اللتان ترضون بهما ربكم: فشهادة أن لا إله إلا الله، وتستغفرونه، وأما اللتان لا غنى بكم عنهما: فتسألون الله الجنة، وتعوذون به من النار، ومن أسقی صائما سقاه الله من حوضي شربة لا يظمأ حتى يدخل الجنة "

رواه ابن خزيمة في صحيحه ثم قال صح الخبر ورواه من طريق البيهقي ورواه أبو الشيخ ابن حبان في الثواب باختصار عنهما وفي أسانيدهم علي بن زيد بن جدعان ورواه ابن خزيمة أيضا والبيهقي باختصار عنه من حديث أبي هريرة وفي إسناده كثير بن زيد کذا فی الترغیب ص 203 قلت : علی بن زید ضعفه جماعة وقال الترمذی صدوق وصحح له حدیثا فی السلام وحسن له غیر ما حدیث وکذا کثیر ضعفه النسائی وغیره وقال ابن معین ثقة وقال ابن عدی لم ار بحدیثه بأسا واخرج حدیثه ابن خزیمة فی صحیحه کذا فی رجال المنذری ص 704 لکن قال العینی الخبر منکر فتأمل .

ف : محدثین را در بعض رواة این حدیث کلام است لیکن در فضائل این قدرکلام قابل تحمل است .

**می گویم** : این **حدیث را عینی حنفی منکر قرار داده** همانطور که محمد زکریا گفته وهمچنین ابن ابی حاتم (علل الحديث 3/ 110) گفته **حدیثی منکر است ، وهمچنین شیخ البانی در سلسله ضعیفه گفته منکر است این حدیث آن قدر ضعیف ومنکر که قابل احتجاج در فضائل نیست** وقول محمد زکریا مردود است زیرا وی قول کامل ترمذی را نقل نکرده ترمذی می گوید : صدوق الا أنه ربما رفع الشيء الذي يوقفه غيره ، یعنی صدوق است گاهی موقع احادیثی را که نزد دیگران موقوف است را مرفوع قرار می دهد ، اما احادیثی که ترمذی از علی بن زید تصحیح وتحسین کرده ، بنابر شواهد ومتابعاتی است که به طرق دیگر بصحت رسیدند ولی این روایت نه متابعی دارد ونه شاهدی .واما استشهاد به روایت کثیر بن زید درست نیست زیرا کثیر بن زید شدیدا ضعیف است ومتن آن مغایر با این حدیث است واز ابن معین چهار قول وجود دارد دو قول تضعیف ودو قول تعدیل با الفاظ درجه پائین توثیق در هیچ کدام ثقة بکار نرفته ودیگر اینکه روایت کثیر بن زید هیچ مشابهتی با روایت زید بن علی بن جدعان ندارد که استشهاد گرفته شود روایت کثیر بن زید : عن أبي هريرة، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: " أظلكم شهركم هذا " بمحلوف رسول الله صلى الله عليه وسلم: " ما مر على المسلمين شهر خير لهم منه ولا يأتي - أظنه قال: - على المنافقين شهر شر لهم منه " بمحلوف رسول الله صلى الله عليه وسلم: " إن الله يكتب أجره وثوابه من قبل أن يدخل - زاد فيه غيره - ويكتب وزره وشقاءه قبل أن يدخل، وذلك أن المؤمن يعد فيه النفقة للقوة في العبادة، ويعد فيه المنافقين اغتياب المؤمنين، واتباع عوراتهم، فهو غنم للمؤمن، وغرم على الفاجر " يعني شهر رمضان (شعب الإيمان بیهقی 5/ 223)

**(7) می گوید** : تمام کلام الله شریف را در تراویح خواندن یا شنیدن سنت مستقل است .

**می گویم :** در هیچ روایتی ثابت نشده که خواندن تمام کلام الله یا شنیدنش در نماز تراویح سنت مستقل باشد واز هیچ یک از صحابه وائمه اربعه هم نقل نشده ، اما شنیدن وتلاوت قران مطلقا در احادیث صحیحه به اثبات رسیده ومقید وتخصیص کردن حکمی نیاز به دلیل دارد اما طریقه سنت ختم قران بدون اختصاص به نماز وچیزی دیگر حد اقل یک هفته یا سه روز وحد اکثر چهل روز است وبیشتر از چهل روز اگر کسی ختم کند گناهکار می شود .

**(8) می گوید** : ارشاد حضور اکرم صلی الله علیه وسلم است که نماز همسایه مسجد در غیر مسجد ادا نمی شود .

**می گویم** : این ترجمه روایت : لا صلاة لجار المسجد إلا في المسجد ، است که حاکم در مستدرک (1/ 373) وبیهقی در سنن الکبری ودار قطنی در سنن روایت کردند ، شدیدا ضعیف است در فضائل اعمال گفتنش درست نیست چون در این باب احادیث صحیحی وجود دارد که انسان را مستغنی از احادیث ضعیفه می سازد ، ابن ابی حاتم می گوید این حدیث منکر است وذهبی در میزان می گوید این خبر منکر است وشیخ آلبانی می گوید : ضعیف است . (سلسله ضعیفه 1/332 )

**(9) می گوید :** صحیفه های حضرت ابراهیم در یکم یا سوم ماه رمضان وصحیفه حضرت داود در 18 یا 12 وتورات حضرت موسی در ششم وانجیل حضرت عیسی در 12 یا 13 رمضان عطا کرده شدند .

**می گویم :** در این مورد دو روایت وجود دارد یکی مرفوع که در مسند احمد است که شدیدا ضعیف است وروایتی دیگری از جابر بن عبدالله در الأسماء والصفات (1/ 569 ) بيهقي با همین سند ذکر شده ، ودیگری در مصنف ابن ابی شیبة که موقوف بر ابو الجلد است که در سندش فردی مجهول واقع شده ومنقطع است باحتمال زیاد این ها اقوال بنی اسرائیلی هستند .

عن واثلة بن الأسقع، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: " أنزلت صحف إبراهيم عليه السلام في أول ليلة من رمضان، وأنزلت التوراة لست مضين من رمضان، والإنجيل لثلاث عشرة خلت من رمضان، وأنزل الفرقان لأربع وعشرين خلت من رمضان (مسند أحمد 28/191)

عن أبي الجلد، قال: «نزلت صحف إبراهيم أول ليلة من رمضان، ونزل الزبور في ست، والإنجيل في ثمان عشرة، والقرآن في أربع وعشرين»(مصنف ابن أبي شيبة 6/ 144)

**(10) می گوید** : ارشاد نبی اکرم ص است که فرمودند : در امت من هر وقت پنجصد بزرگان برگزیده وچهل ابدال باشند چون شخصی از ایشان بمیرد فورا دیگری جایش را می گیرد صحابه عرض کردند که اعمال خصوصیشان چیست ؟ پس آنحضرت صلی الله علیه وسلم ارشاد فرمودند که از ظالمان در گذر می کنند وبا بد معامله گان سلوک خوب واحسان می کنند واز رزق عطا فرموده الله با خلق سلوک همدردی وغمخواری می کنند .

**می گویم :** محدثین احادیث اقطاب وابدال را جز احادیث موضوعه وساختگی ودروغین به شمار آورده اند بجز صوفیه کسی دیگر به این اباطیل استناد نمی جوید وصوفیه نسبت به ابدال واقطاب افراط ورزیده وصفات خدائی برای آنان قائل شدند ونسبت دادن این اراجیف به رسول خدا ص حرام وناجائز است است ، اصل این حدیث در کتاب حلیة الاولیاء ذکر شده : عن ابن عمر، رضي الله تعالى عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «**خيار أمتي في كل قرن خمسمائة , والأبدال أربعون , فلا الخمسمائة ينقصون ولا الأربعون , كلما مات رجل أبدل الله عز وجل من الخمسمائة مكانه , وأدخل من الأربعين مكانهم» , قالوا: يا رسول الله دلنا على أعمالهم. قال: «يعفون عمن ظلمهم , ويحسنون إلى من أساء إليهم , ويتواسون فيما آتاهم الله عز وجل**» (حلية الأولياء 1/ 8)

یعنی : بهترینهای امت من در هر قرن 500 نفر و40 نفر از ابدال هستند نه از 500 نفر کاسته می شود ونه از 40 نفر ، هر وقت یکی بمیرد خداوند از 500 نفر یکی را جایگزین می کند واز 40 نفر یکی را در جایش می نشاند ، صحابه گفتند : یا رسول الله اعمالشان چیست ؟ حضرت فرمودند : افرادی که بر آنها ظلم بکنند در گذشت می کنند وبه کسانی که به آنها بد روا بدارند نیکی می کنند وچیزی که خداوند به آنها عطا کرده در میان خود با مستمندان با احساس همدردی تقسیم می کنند .

سخاوی در المقاصد الحسنة ص 45 می گوید : این نوع احادیث بعضی از بعضی ضعیفترند و ابن جوزي در کتاب (الموضوعات 3/ 151 ) ذکرش کرده ، ذهبی در تلخیص الموضوعات 1/ 307 می گوید : عبد الله بن هارون صوری متهم به وضع این حدیث است ، و در المغني في الضعفاء (1/ 361 و ميزان الاعتدال (2/ 516 می گوید : ابن هارون حدیثی دروغین در اخلاق ابدال روایت کرده ، سیوطی در (اللآلىء المصنوعة في الأحاديث الموضوعة 2/ 279) می گوید : صحیح نیست در سندش افرادی مجهول وجود دارند ، نور الدین کنانی در کتابش (تنزيه الشريعة المرفوعة عن الأخبار الشنيعة الموضوعة 2/ 306) این حدیث را جز احادیث موضوعه بشمار آورده ،

**(11) می گوید :** از حدیث دیگر نقل کرده اند : که هرگز گرسنه را نان خوراند وبرهنه را لباس پوشاندیا مسافری را جائی شب باشی دهد ، حق تعالی شأنه اورا از هولهای قیامت پناه می دهد .

**می گویم :** این حدیث را بروسوی در روح البیان (1/ 295) بدون سند نقل کرده وهمچنین قرطبی (التذكرة بأحوال الموتى وأمور الآخرة ص: 596) از أبو هدبة إبراهيم بن هدبة روایت کرده می گوید : حدثنا أنس بن مالك رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: من أشبع جائعاً وكسا عرياناً وآوى مسافراً أعاذه الله من أهوال يوم القيامة» این حدیث موضوع وساختگی است بعلت این که راوی از انس بن مالک متهم به دروغ است ذهبی در میزان الاعتدال(1/ 71) می گوید : إبراهيم بن هدبة، أبو هدبة الفارسي ثم البصري ، **حدث ببغداد وغيرها بالأباطيل** ، قال عباس، عن ابن معين: قال: قدم أبو هدبة فاجتمع عليه الخلق، فقالوا: أخرج رجلك، كانوا يخافون أن تكون رجله **رجل حمار أو شيطان**. وقال محمد بن عبيد الله بن المنادى: كان أبو هدبة ببغداد يسأل الناس على الطريق. وقيل: كان **رقاصا بالبصرة يدعى إلى العرائس فيرقص لهم**. وقال النسائي وغيره: **متروك**. وقال الخطيب: **حدث عن أنس بالأباطيل**. يروى عنه عيسى بن سالم الشاشي، وسعدان بن نضر ، ومحمد بن عبيد الله بن المنادى، والخضر بن أبان الكوفي. وقال أحمد: **لا شئ**. قلت: بقى إلى سنة مائتين ، قال أبو حاتم وغيره: **كذاب**. قلت: حدث بعيد المائتين عن **أنس بعجائب**. روى عنه حميد بن الربيع، وعبد الرحمن بن عمر رسته ، قال أبو نعيم: قدم أصبهان فحدث على المنبر عن أنس، فرفع ذلك إلى جرير ابن عبد الحميد فصدقه. قال: وكان المأمون أيضاً يصدقه. **قلت: تصديقهما لا ينفعه**، فإنه مكشوف الحال. قال علي بن ثابت: **هو أكذب من حماري هذا**. وقال أحمد بن سنان القطان: سمعت محمد بن بلال الكندي يقول: **كان أبو هدبة عدو الله يحفل الغنم عندنا**. وكذلك **لا يفرح عاقل بما جاء بإسناد مظلم** عن يحيى بن بدر. قال: قال يحيى بن معين: أبو هدبة **لا بأس به ثقة**. فهذا القول **باطل**، فقد قال إبراهيم بن عبد الله بن الجنيد: سمعت يحيى بن معين، وسئل عن أبي هدبة فقال: قدم علينا هاهنا، وكتبنا عنه عن أنس، **ثم تبين لنا أنه كذاب خبيث**. قال محمد بن إسماعيل بن عطية البصري: حدثنا نصر بن علي، حدثنا بشر بن عمر، قال: كان في جوارنا **عرس فدعى له أبو هدبة صاحب أنس فأكل وشرب وسكر**، فجعل يغنى: **أخذ القمل ثيابي.**

**(12) می گوید :** یحیی برمکی رح در هر ماه بر سفیان ثوری رح یک هزار درهم خرج می کردند ، حضرت سفیان در سجده برای دعا می کردند که یا الله یحیی کفایت دنیای من نمود تو از لطف خود آخرتش بفرما چون یحیی رحلت کرد خلق در خواب از او پرسیدند که بر تو پس از مرگ چه گذشت ؟ او گفت که بوجه دعای سفیان مغفرتم شد .

می گویم : این داستان در کتاب روح البیان بدون سند ذکر شده وکتاب روح البیان کتابیست تفسیری بر مشرب صوفیانه همه نوع احادیث وداستان های بی اساس ودروغین در آن یافت می شود ، بروسوی می گوید : كان عبد الله بن المبارك ينفق على الفقراء وطلبة العلم في كل سنة مائة الف درهم ويقول للفضيل بن عياض لولاك وأصحابك ما اتجرت وكان يقول للفضيل وأصحابه لا تشتغلوا بطلب الدنيا اشتغلوا بالعلم وانا أكفيكم المئونة وكان يحيى البرمكي يجرى على سفيان الثوري كل شهر الف درهم وكان سفيان يدعو له في سجوده ويقول اللهم ان يحيى كفانى امر الدنيا روح البيان فاكفه امر آخرته فلما مات يحيى رآه بعض أصحابه في النوم فقال ما صنع الله بك قال غفر لى بدعاء سفيان (روح البيان 1/296)

**(13) می گوید :** در یک روایت دیگر آمده است که هر که از کسب حلال خود در رمضان روزه را افطار کناید بر او در شبهای رمضان فرشتگان رحمت می فرستند ودر شب قدر جبرئیل علیه السلام با او مصافحه می کنند وهر که با او جبرئیل علیه السلام مصافحه کند می کنند ، علامتش این است که در دلش رقت پیدا می شود واز چشمان اشک جاری می شود .

**می گویم :** این روایت موضوع وجعلی است مسلسل با راویان ضعیف ومتروک است ابن جوزی(2/193) ونور الدین کنانی (2/155) این روایت را در موضوعات ذکر کردند ودیگر این اینکه کاندهلوی در صفحه 15 آدرس این روایت را در کتاب روح البیان ذکر کردند واین اشتباه است این روایت در روح البیان نیست بلکه در کتاب فضائل الاوقات بیهقی(199) وترغیب منذری وغیره است.
**الفاظ بیهقی :** عن سلمان، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «**من فطر صائما في رمضان أي من كسب حلال صلت عليه الملائكة في ليالي رمضان كلها، وصافحه جبريل عليه السلام، ومن يصافحه جبريل يرق قلبه وتكثر دموعه**» قال رجل: يا رسول الله، فإن لم يكن ذاك عنده؟ قال: «قرصة من طعام» قال: أرأيت من لم يكن ذاك عنده؟ قال: «فلعقة خبز» قال: أفرأيت إن لم يكن ذاك عنده؟ قال: «فمذقة لبن» قال: أفرأيت إن لم يكن ذاك عنده؟ قال: «فشربة من ماء»
بلکه در این مورد حدیثی صحیح در ترمذی(3/ 162) وجود دارد ما را از این حدیث دروغین مستغنی می سازد : عن زيد بن خالد الجهني قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من فطر صائما كان له مثل أجره، غير أنه لا ينقص من أجر الصائم شيئا» ، قال الترمذی : «هذا حديث حسن صحيح»
**یعنی :** رسول الله صلی الله علیه واله وسلم فرمودند : هر کسی روزه داری را افطار بدهد به اندازه اجر وثواب همان روزه دار به آن شخص تعلق می گیرد بغیر اینکه از اجر روزه دار کاسته شود ، ترمذی می گوید : این حدیث حسن وصحیح است .

**(14) می گوید :** حماد بن سلمه یک محدث مشهورند که هر روز اهتمام افطار روزه پنجاه کس را می کردند .

**می گویم :** ذکر حماد بن سلمه اشتباه است بلکه درستش حماد بن ابی سلیمان استاد امام ابو حنیفه است ، بیان این واقعه برای حماد بن سلمه یک وهم است وبه وی نسبت داده نشده به کتب آتی رجوع شود : الجواهر المضية في طبقات الحنفية 1/ 226 مغاني الأخيار في شرح أسامي رجال معاني الآثار 1/ 242 تهذيب الكمال في أسماء الرجال 7/ 277 مكارم الأخلاق لابن أبي الدنيا ص: 96 الإخوان لابن أبي الدنيا ص: 211 تاريخ أصبهان 1/ 242

**(15) می گوید** : بروایت ابو سعید خدری رض نقل کرده است که باری حضرت موسی علیه السلام در بارگاه الله جل شأنه عرض کردند که یا الله مرا چنین دعاء بنما که با آن ترا یاد کنم ودعا کنم از آن جا لا اله الا الله ارشاد شد حضرت موسی علیه السلام عرض کردند که این کلمه را همه بندگان تو می خوانند من دعا یا ذکر مخصوص می خواهم از آن جا ارشاد شد که ای موسی اگر هفت آسمان وآباد کنندگان آنها سوای من یعنی ملائکه وهفت زمین در یک کفه ترازو نهاده شود ودر دوم کلمه طیبه نهاده شود از همان کلمه مائل وزنی خواهد شد .

**می گویم :** این حدیث را نسائی در کبری وحاکم وابن حبان وطبرانی وبیهقی روایت کردند در سندش دراج ابو السمح است عده ای توثیقش کردند وعده ای تضعیف ابن حجر در تقریب التهذیب 201 می گوید : صدوق فی حدیثه عن ابی الهیثم ضعف ، صدوق است حدیثش از ابو الهیثم ضعیف است ، بدر الدین عینی حنفی در مغاني الأخيار في شرح أسامي رجال معاني الآثار 1/299 می گوید : قال عبد الله ابن أحمد عن أبيه: حديثه **منكر**. وعن يحيى بن معين: *ثقة.* وقال أبو داود*: أحاديثه مستقيمة*، إلا **ما كان عن أبى الهيثم**، عن أبى سعيد. وقال النسائى : **ليس بالقوى**. وقال فى موضع آخر: **منكر الحديث**. وقال أبو حاتم: **فى حديثه ضعف**. وقال الدارقطنى: **ضعيف**. وقال فى موضع آخر: **متروك. اکثرا تضعیف کرده اند ،** آلوسی حنفی در تفسیر روح المعانی(5/54) بعد از ذکر این حدیث می گوید : داستان سرایان اخبار ساختگی زیادی در مورد سوالات موسی علیه السلام از پروردگار وجواب خداوند دارند برای یک مسلمان مناسب نیست اینها را باور کند ، حسين سليم أسد در پاورقی مسند ابو یعلی می گوید : سندش ضعیف است ، شیخ آلبانی وشعیب ارناووط می گویند سندش ضعیف است ، در مقابل ابن حجر عسقلانی وابن حبان وحاکم نیشاپوری و ذهبی صحیح قرار دادند .

**(16) می گوید :** در حدیثی وارد شده است که هر که با اخلاص این کلمه را خواند درهای آسمان برایش فی الفور وا می شودودر رسیدن تا عرش هیچ گونه حائلی نمی باشد بشرطیکه گوینده از گناه کبیره پرهیز کند .

عن أبي هريرة قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ما قال عبد لا إله إلا الله قط مخلصا، إلا فتحت له أبواب السماء، حتى تفضي إلى العرش، ما اجتنب الكبائر» .

**می گویم :** این حدیث را ترمذی(5/ 575) ونسائی در سنن الکبری (9/ 307) روایت کردند ترمذی(5/ 575) می گوید : هذا حديث حسن غريب من هذا الوجه وشیخ البانی می گوید : حسن است .

**(17) می گوید :** در یک حدیث وارد شده است هر که به کثرت استغفار می کند حق تعالی شأنه در هر تنگی برائش مخرج راه میسر می کند اورا از هر غم خلاصی نصیب می فرماید واین طور روزی می رساند که کسی را گمانش هم نمی باشد .

عن عبد الله بن عباس عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «من أكثر الاستغفار جعل الله له من كل هم فرجا ومن كل ضيق مخرجا ورزقه من حيث لا يحتسب».

**می گویم :** این حدیث را حاکم در مستدرک(4/ 291) واحمد در مسند(4/104) ونسائی در سنن الکبری(9/171) ومحمد بن نصر مروزی در قیام اللیل98 روایت کردند وابو داود (2/ 85) وابن ماجه(2/ 1254) با لفظ من لزم الاستغفار روایت کردند ، حاکم می گوید صحیح الاسناد است بخاری ومسلم روایتش نکردند ذهبی در تعلیقش بر مستدرک می گوید : در سندش حکم بن مصعب است مجهول است ، بغوی در شرح السنة می گوید : حکم ضعیف است ، ابو نعیم در حلية الأولياء (3/211) می گوید : این حدیث ضعیف است از حدیث محمد بن علی از پدرش از جدش که حکم بن مصعب متفرد شده ، شیخ البانی هم می گوید ضعیف است .

**(18) می گوید :** در حدیث آمده است که آدمی گناهکار می باشد لیکن بهترین گناهکار آن است که توبه می کند .
عن أنس، أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «كل ابن آدم خطاء وخير الخطائين التوابون
**می گویم :** این حدیث را ترمذی(4/ 659) در سنن وابن ماجه2/ 1420 وحاکم واحمد وبزار ودارمی ودیگران روایت کردند ، ترمذی می گوید : هذا حديث غريب لا نعرفه إلا من حديث علي بن مسعدة عن قتادة ، این حدیث غریب ( ضعیف ) است بجز از حدیث علی بن مسعده از قتاده نمی شناسیمش ، ذهبی در تعلیق بر حاکم می گوید : علی بن مسعده ضعیف است ، شیخ آلبانی می گوید : این حدیث حسن است .

**(19) می گوید :** آدمی چون گناه می کند یک نقطه سیاه بر دلش پیدا می شود اگر توبه می کند پس آن دور می شود ورنه باقی می ماند .

**می گویم :** این قسمتی از یک حدیث در ترمذی وابن ماجه وقول ابراهیم بن ادهم است ، بروایت بیهقی در شعب الایمان است ، سند حدیث را شیخ البانی تحسین کرده ، وبیهقی قولی زیبا وقشنگی از ابراهیم بن ادهم نقل کرده اگر چه سندش اشکال دارد اما از لحاظ معنی قابل توجه است : قال إبراهيم بن أدهم : قلب المؤمن أبيض نقي مجلي محلى مثل المرآة، فلا يأتيه الشيطان من ناحية من النواحي بشيء من المعاصي إلا نظر إليه كما ينظر إلى وجهه في المرآة، فإذا أذنب ذنبا نكت في قلبه نكتة سوداء، فإن تاب من ذنبه محيت النكتة من قلبه وانجلى، وإن لم يتب وعاود أيضا، وتتابعت الذنوب، ذنب بعد ذنب، نكت في قلبه نكتة نكتة حتى يسود القلب، وهو قول الله عز وجل: {كلا بل ران على قلوبهم ما كانوا يكسبون} [المطففين: 14]، قال: " الذنب بعد الذنب، حتى يسود القلب في إبطاء، ما نجع في هذا القلب المواعظ، فإن تاب إلى الله قبله الله وانجلى عن قلبه كجلي المرآة " الجامع لشعب الإيمان (9/375)

**(20) حدیث دوم عربی فصل اول :** عن أبي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أعطيت أمتي خمس خصال في رمضان لم تعطهن أمة قبلهم **خلوف فم الصائم أطيب عند الله من ريح المسك** وتستغفر لهم الحيتان حتى يفطروا ويزين الله عز وجل كل يوم جنته ثم يقول يوشك عبادي الصالحون أن يلقوا عنهم المؤنة ويصيروا إليك **وتصفد فيه مردة الشياطين** فلا يخلصوا فيه إلى ما كانوا يخلصون إليه في غيره ويغفر لهم في آخر ليلة قيل يا رسول الله صلى الله عليه وسلم أهي ليلة القدر قال لا ولكن العامل إنما يوفى أجره إذا قضى عمله .
رواه أحمد والبزار والبيهقي ورواه أبو الشيخ ابن حبان في كتاب الثواب إلا أن عنده وتستغفر لهم الملائكة بدل الحيتان **کذا فی الترغیب .**

**می گویم :** این حدیث را منذری(2/ 55) با(روی عن ابی هریرة) با لفظ تمریض صیغه ماضی مجهول روایت کرده اشاره به این است که ضعیف است اما کاندهلوی این را ذکر نکرده ، هیثمی در مجمع الزوائد (3/ 140) می گوید : در سندش هشام بن زیاد ابو المقدام است که ضعیف است ، شیخ آلبانی می گوید : شدیدا ضعیف است ، می گویم : اگر چه این حدیث شدیدا ضعیف است اما بعضی از الفاظش در احادیث صحیح دیگر آمدند ، بدبوئی دهان روزه دار نزد خداوند از بوی خوش مشک هم محبوبتر است در صحیحین ذکر شده است ، وبه زنجیر شدن شیاطین روایات صحیح در ترمذی ونسائی وابن ماجه آمده وبیان این روایت در فضایل اعمال درست نیست چون سندش بسیار ضعیف است .

**(21) می گوید :** ارشاد است که مگر جزای روزه من خودم می دهم که آن خالصتا برای من است .
**می گویم :** قسمت اول این حدیث : جزای هر عمل نیک را ملائکه می دهند ، در هیچ کتاب حدیثی ذکر نشده ، اما قسمت دوم قسمتی از حدیث صحیح بخاری ومسلم است : عن أبی هريرة رضي الله عنه، قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: قال الله عز وجل : **كل عمل ابن آدم له، إلا الصيام، هو لي وأنا أجزي به** «فوالذي نفس محمد بيده، لخلفة فم الصائم، أطيب عند الله من ريح المسك»

**(22) می گوید :** در حدیثی ارشاد است که روزه دروازه همه عبادتهاست .
**می گویم :** این روایت را عبدالله بن مبارک در کتاب الزهد 1423 روایت کرده ودیگران از طریق ابن مبارک روایت کردند واین روایت مرسل وضعیف است در سندش ابو بکر بن ابی مریم است ضعیف ومختلط است وطرف دیگر ضعف به علت ارسال است ، عراقی در تخریج احیاء می گوید : ابو الشیخ از طریق ابو الدرداء روایت کرده وسندش ضعیف است (اتحاف السادة المتقین 4/192) ، شیخ آلبانی درسلسلة الضعيفة (6/246) می گوید : روایت ابن مبارک مرسل وضعیف است .

**(23) می گوید :** بنابر حدیث های متعلقه بر بعض ائمه مسواک کردن روزه دار را بوقت شام منع می فرمایند ....
**می گویم :** احادیث صحیح در استحباب ومنع مسواک وارد نشده ولی بنابر قاعده اصولی : أصل بر اباحت است تا زمانی که دلیل قوی منع ثابت شود ، احادیث امر به مسواک مطلق هستند حالت روزه وغیر روزه را شامل می شوند .

**(24) می گوید :** در حدیث پاک ارشاد است که چون حق تعالی شانه باینده ای محبت می فرماید با جبرئیل علیه السلام ارشاد می فرماید که مرا فلان شخص پسند است شما هم با او محبت کنید پس اهل آسمان با او محبت می کنند وباز اورا در زمین قبولیت داده می شود....
**می گویم :** حدیثی صحیح است بخاری(9/142) ومسلم از ابو هریره روایت کردند : عن أبي هريرة قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: " إن الله تبارك وتعالى إذا أحب عبدا نادى جبريل: إن الله قد أحب فلانا فأحبه، فيحبه جبريل، ثم ينادي جبريل في السماء: إن الله قد أحب فلانا فأحبوه، فيحبه أهل السماء، ويوضع له القبول في أهل الأرض .

**(25) می گوید :** قاعده عام است که هر کسی را محبت با هم نشینان می باشد .
**می گویم :** این قاعده واصل نیست بلکه حدیثی صحیح در بخاری ومسلم است که رسول خدا ص می فرماید : المرء مع من أحب .

**(26) می گوید :** ارشاد نبی کریم صلی الله علیه وسلم که انسان چون گناه می کند در قلب او یک نقطه سیاه پیدا می شود اگر او توبه صادق می کند پس آن نقطه شسته می شود وگرنه باقی می ماند و......
**می گویم :** تخریج این قبلا گذشت باز تکرار می کنم : این قسمتی از یک حدیث در ترمذی وابن ماجه وقول ابراهیم بن ادهم است ، بروایت بیهقی در شعب الایمان است ، سند حدیث را شیخ البانی تحسین کرده ، وبیهقی قولی زیبا وقشنگی از ابراهیم بن ادهم نقل کرده اگر چه سندش اشکال دارد اما از لحاظ معنی قابل توجه است : قال إبراهيم بن أدهم : قلب المؤمن أبيض نقي مجلي محلى مثل المرآة، فلا يأتيه الشيطان من ناحية من النواحي بشيء من المعاصي إلا نظر إليه كما ينظر إلى وجهه في المرآة، فإذا أذنب ذنبا نكت في قلبه نكتة سوداء، فإن تاب من ذنبه محيت النكتة من قلبه وانجلى، وإن لم يتب وعاود أيضا، وتتابعت الذنوب، ذنب بعد ذنب، نكت في قلبه نكتة نكتة حتى يسود القلب، وهو قول الله عز وجل: {كلا بل ران على قلوبهم ما كانوا يكسبون} [المطففين: 14]، قال: " الذنب بعد الذنب، حتى يسود القلب في إبطاء، ما نجع في هذا القلب المواعظ، فإن تاب إلى الله قبله الله وانجلى عن قلبه كجلي المرآة " الجامع لشعب الإيمان (9/375)

**(27) می گوید :** عن كعب بن عجرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم احضروا المنبر فحضرنا فلما ارتقى درجة قال آمين فلما ارتقى الدرجة الثانية قال آمين فلما ارتقى الدرجة الثالثة قال آمين فلما نزل قلنا يا رسول الله لقد سمعنا منك اليوم شيئا ما كنا نسمعه قال إن جبريل عليه السلام عرض لي فقال **بعد من أدرك رمضان فلم يغفر له** قلت آمين فلما رقيت الثانية قال بعد من ذكرت عنده فلم يصل عليك فقلت آمين فلما رقيت الثالثة قال بعد من أدرك أبويه الكبر عنده أو أحدهما فلم يدخلاه الجنة قلت آمين.

رواه الحاكم وقال صحيح الإسناد کذا فی الترغيب وقال السخاوی رح رواه ابن حبان فی ثقاته وصحیحه والطبرانی فی الکبیر والبخاری فی بر الوالدین له والبیهقی فی الشعب وغیرهم رجاله ثقات وبسط طرقه وروی الترمذی عن ابی هریرة بمعناه وقال ابن حجر وطرقه کثیرة کما فی المرقاة

**می گویم :** حاکم می گوید صحیح الاسناد است وذهبی هم در تائیدش صحیح قرار داده وشیخ البانی هم می گوید صحیح است .

**(28) می گوید :** وعید برای شخصی است که نام مبارک نبی اکرم ص برده شود ودرود نفرستد ودر بعضی احادیث آن شخص را شقی وبخیل ترین خلائق نامیده شده .
**می گویم :** اشاره به حدیث صحیح است از حسين بن علي بن أبي طالب قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «البخيل الذي من ذكرت عنده فلم يصل علي» ترمذی(5/551) می گوید : حدیث حسن صحیح غریب وشیخ البانی می گوید: صحیح است و در مورد شقی ترین روایتی در عمل الیوم واللیله ابن سنی 184 وجود دارد که سخاوی در القول البدیع ص: 151 می گوید سندش ضعیف است وهمچنین نووی در کتاب الاذکار ص: 220 سندش را ضعیف قرار داده ، شیخ البانی در (سلسلة الضعيفة 11/ 370) می گوید : ضعیف است ، اما شیخ عبدالقادر ارناووط در پاورقی الأذكار نووي ص 98 بمجموع طرق این حدیث را حسن قرار داده .

**(29) می گوید :** در یک روایت گفته شده که بهترین دروازه از دروازه های بهشت پدر است اگر دلت می خواهد آنرا حفاظت کن یا ضایع بگردان .

**می گویم :** این حدیث ابو الدرداء در سنن ابن ماجه(2/1208) وسنن ترمذی (4/ 311) است ، عن أبي الدرداء، أن رجلا أتاه فقال: إن لي امرأة وإن أمي تأمرني بطلاقها، قال أبو الدرداء: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «الوالد أوسط أبواب الجنة، فإن شئت فأضع ذلك الباب أو احفظه» ، شیخ البانی می گوید : این حدیث صحیح است.

**(30) می گوید :** یک صحابی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم پرسید که حق والدین چیست ؟ فرمودند : آنها برای تو بمنزله بهشت اند یا بمنزله دوزخ .

**می گویم :** این حدیثی است در سنن ابن ماجه (2/ 1208) عن أبي أمامة، أن رجلا قال: يا رسول الله، ما حق الوالدين على ولدهما؟ قال: «هما جنتك ونارك» ، محقق کتاب سنن ابن ماجه محمد فؤاد عبد الباقي می گوید : ابن معین گفت : علی بن یزید از قاسم از ابو امامه همه اسانید ضعیف هستند وساجی می گوید : اهل نقل بر ضعف علی بن یزید اتفاق دارند ، شیخ آلبانی می گوید : ضعیف است .

**(31) می گوید :** در حدیثی آمده که یک نگاه فرزند مطیع وفرمانبردار همراه با محبت وشفقت به سوی پدر ثواب یک حج مقبول شده را دارد .
**می گویم :** این حدیث را بیهقی در شعب الایمان(10/ 266) وحاکم نیشابوری در تاریخش وابن النجار از ابن عباس روایت کردند : أخبرنا أبو عبد الله الحافظ في التاريخ، أنا محمد بن حامد، حدثني مكي بن عبدان، نا الحسن بن هارون، نا منصور بن جعفر، نا نهشل بن سعيد، عن الضحاك، عن ابن عباس، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: " ما من ولد بار ينظر إلى والدیه نظرة رحمة إلا كان له بكل نظرة حجة مبرورة "، قالوا: وإن نظر إليهما كل يوم مائة مرة؟ قال: " نعم، الله أكبر وأطيب " در متن این حدیث والدته نوشته بود ولیکن در اکثر کتب والدیه ذکر شده در سند این روایت نهشل بن سعید است متهم به دروغ می باشد واسانید دیگر خالی از ضعیف ودروغگو نیستند لذا شیخ آلبانی این حدیث را موضوع وساختگی قرار دادند .

**(32) می گوید :** در یک حدیث ارشاد شده که الله جل وجلاله بجز شرک تمام گناهان را هر قدر بخواهد عفو می فرماید مگر سزای نافرمانی والدین که قبل از مرگ در دنیا به او می رساند .
**می گویم :** این حدیث را بیهقی در شعب الایمان(10/ 289) وحاکم وطبرانی روایت کردند : عن أبي بكرة، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: " كل الذنوب يغفر الله منها ما شاء، إلا عقوق الوالدين، فإنه يعجل لصاحبه في الحياة قبل الممات . ، قاضی ثناء الله پانی پتی حنفی در کتاب تفسیر مظهری می گوید : سندش ضعیف است ، شیخ آلبانی در ضعیف الترغیب(2/ 75) می گوید : این حدیث ضعیف است .

**(33) می گوید :** یک صحابی عرض کرد که من اراده شرکت در جهاد دارم آنحضرت صلی الله علیه وسلم پرسیدند : آیا مادرت زنده است ؟ او گفت : بله ، آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند : خدمت اورا بجای آور که زیر قدمهای او برای تو بهشت است .

**می گویم :** این حدیث را حاکم در مستدرک وبیهقی در سنن الکبری وشعب الایمان ونسائی در سنن الکبری روایت کردند : أن جاهمة رضي الله عنه، أتى النبي صلى الله عليه وسلم فقال: إني أردت أن أغزو فجئت أستشيرك. قال: «ألك والدة؟» قال: نعم، قال: «اذهب فالزمها، فإن الجنة عند رجليها» ، حاکم می گوید صحیح الاسناد است وذهبی هم در تائیدش گفته صحیح است .

**(34) می گوید :** در حدیثی آمده : که رضای الله جل وجلاله در رضای پدر است ونارضایتی الله جل جلاله در نارضایتی پدر است .
**می گویم :** این حدیث را ترمذی(4/ 310) وحاکم وامام بخاری در ادب المفرد روایت کردند : عن عبد الله بن عمرو، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «رضى الرب في رضى الوالد، وسخط الرب في سخط الوالد» ، این حدیث را حاکم صحیح قرار داده وهمچنین شیخ آلبانی گفته صحیح است .

**(35) می گوید :** در حدیثی چنین ارشاد شده کسی که پدر ومادر او در حالی مرده اند که او نافرمانی آنها را می کرده پس اگر به کثرت برای آنها دعا واستغفار کند آن فرزند مطیع وفرمانبردار محسوب خواهد شد .
**می گویم :** این حدیث را بیهقی در شعب الایمان (10/ 299) روایت کرده : عن أنس بن مالك، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: " إن العبد ليموت والداه أو أحدهما، وإنه لهما لعاق، فلا يزال يدعو لهما، ويستغفر لهما حتى يكتبه الله بارا ، این حدیث **موضوع وساختگی ودروغین** است ابن جوزی در موضوعات می گوید : این حدیث اصل وریشه ای ندارد ومتهم به وضعش شخصی به نام لاحق است ابو سعد الادریسی می گوید : ( لاحق ) فردی بسیار دروغگو بود بر افراد ثقه حدیث وضع می کرده ، شیخ آلبانی هم (مشكاة المصابيح 3/1382) می گوید : حدیثی موضوع وساختگی است .

**(36) می گوید :** در حدیث دیگری آمده : که بهترین نیکی بعد از مرگ پدر خوشرفتاری با دوستان اوست .
**می گویم :** این حدیثی صحیح است که امام مسلم (4/1979) روایت کرده : عن ابن عمر قال: إني سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «إن من أبر البر صلة الرجل أهل ود أبيه بعد أن يولي وإن أباه كان صديقا لعمر».

**(37) حدیث عربی چهارم از فصل اول :** عن عبادة بن الصامت رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال يوما وحضرنا رمضان أتاكم رمضان شهر بركة يغشاكم الله فيه فينزل الرحمة ويحط الخطايا ويستجيب فيه الدعاء ينظر الله تعالى إلى تنافسكم فيه ويباهي بكم ملائكته فأروا الله من أنفسكم خيرا فإن الشقي من حرم فيه رحمة الله عز وجل

رواه الطبراني ورواته ثقات إلا أن محمد بن قيس لا يحضرني فيه جرح ولا تعديل کذا فی الترغيب

**می گویم :** این حدیث موضوع وساختگی ودروغین است ، واین محمد بن قیس ، محمد بن ابی قیس شامی مصلوب است ، سیوطی در تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي (2/ 748) می گوید : محمد بن أبي قيس الشامي المصلوب في الزندقة، كان يضع الحديث ، محمد بن ابی قیس شامی بعلت زندیق بودنش به دار کشیده شده ، حدیث وضع می کرده ، شیخ آلبانی در ضعيف الترغيب والترهيب (1/ 149) می گوید : موضوع است .

**(38) می گوید :** اما زنهای خانواده خود را به این وضع دیده خوشحال می شوم که اکثر انها در این فکر هستند که از دیگران در تلاوت قرآن سبقت بگیرند هر یک با وجود کارهای منزل وخانه داری **روزانه پانزده الی بیست جز از قران مجید** براحتی بدون زحمت تلاوت می کنند .
**می گویم :** بیان این داستان از زنان معاصر خویش جهت تشویق مردم برای تلاوت قران کریم داستانی **منکر وبر خلاف دستورات نبی اکرم** ص است زیرا پیامبر ص یک ختم قران را **کمتر از سه روز نهی** کردند چنانچه در صحیحین آمده : عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما، قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم: «اقرأ القرآن في كل شهر» قال قلت: إني أجد قوة، قال: «فاقرأه في عشرين ليلة» قال قلت: إني أجد قوة، قال: «فاقرأه في سبع ولا تزد على ذلك» (صحيح مسلم 2/ 814) ، یعنی حضرت عبدالله بن عمرو می گوید : رسول خدا صلی الله علیه وسلم بمن گفتند : قران را هر یک ماه یک بار ختم بکن ، من گفتم من قدرت بیشتری دارم ، حضرت فرمودند : در هر بیست روز یک ختم بکن ، من گفتم : قدرت دارم ، حضرت فرمودند : در هفت روز یک ختم بخوان وکمتر از این نخوان. ، در حدیثی در صحیح بخاری (3/ 40) آمده : فقال: «اقرإ القرآن في كل شهر» ، قال: إني أطيق أكثر فما زال، حتى قال: « في ثلاث . ، یعنی حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند : قران را هر یک ماه یک ختم بکن ، من گفتم قدرت بیشتری دارم ، حضرت ادامه داد ، تا اینکه فرمودند : در هر سه روز یک ختم بکن . ، همانطور در احادیث صحیح آمده کمتر از سه روز هیچ فرد مسلمانی اجازه ندارد قران را ختم بکند ونافرمان رسول اکرم ص باشد . ما مسلمانان احکام شریعت را از دو منبع کتاب وسنت می گیریم نه از عمل زنان خانواده . ، ودر فضائل قران ختم های عجیبی آورده منجمله ختم ابن الکاتب که در شبانه روز هشت ختم قران می کرد در حالی که تلاوت با تدبر هر یک جز دو الی سه ساعت طول می کشد و رد این خرافه صوفیانه در نقد فضائل قران ذکر خواهد شد .

**(39) حدیث عربی پنجم از فصل اول :** عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إن لله تبارک وتعالی عتقاء في كل يوم وليلة، یعنی فی رمضان وان لكل مسلم في كل يوم وليلة دعوة مستجابة» رواه البزار کذا فی الترغیب .

**می گویم :** عینی حنفی در عمدة القاري شرح صحيح البخاري (10/270) می گوید : در سندش أبان بن أبي عياش است و او ضعيف است ، وهیثمی در مجمع الزوائد ومنبع الفوائد (3/ 143) می گوید : در سندش ابان است و او ضعیف است در جایی دیگر گفته ابان متروک است ، اما هیثمی حدیثی دیگر با همین الفاظ را از ابو هریره رجالش را صحیح قرار داده وشیخ آلبانی می در صحیح ترغیب می گوید : صحیح لغیره .

**(40) می گوید :** در بعضی روایات آمده : در وقت افطار دعا قبول می شود .
**می گویم :** قبولیت دعای روزه دار احادیثی قولی وجود دارد که ضعیف هستند وحدیثی مرفوع از ابن عمر وجود دارد که موضوع است وحدیثی موقوف ر ابن عمر وجود دارد که حسن است ، وحدیثی دیگر از حضرت علی وجود دارد که در سندش فردی دروغگو است ، وهمچنین حدیثی از ابن عباس وابو سعید خدری وجود دارد که موضوع هستند وحدیثی از ابو هریره در ترمذی هست که ترمذی گفته حدیث حسن ، ولی شیخ البانی تضعیفش کرده بعلت جهالت راوی از ابو هریره ، احادیث صحیحی برای قبولیت مطلق دعا برای روزه دار وجود دارد مثل حدیث انس ، اما احادیث عملی احادیث صحیحی وجود دارد که نبی کریم صلی الله علیه وسلم فرمودند دعاهای مزبور را به هنگام افطار بخوانند که در فقرات بعدی ذکر خواهند شد .

**(41) می گوید :** دعای مشهور افطار این است : اللهم لک صمت وبک آمنت وعلیک توکلت وعلی رزقک أفطرت .
**می گویم :** این دعا با این الفاظ در هیچ کتاب حدیثی به اثبات نرسیده بلکه دعای مشهور در کتب فقه احناف است (الفتاوى الهندية1/200) که ثبوتی ندارد وچه بسا دعای ضعیف ودروغین در کتب فقه وجود دارد که اصل واساسی ندارند ، ملا علی قاری حنفی در مرقات شرح مشکات می گوید : فزيادة، (وبك آمنت) لا أصل لها ، زیادت وبک آمنت در این دعا اصل واساسی ندارد ، اما حدیث : عن معاذ بن زهرة قال: إن النبي صلى الله عليه وسلم كان إذا أفطر قال: «اللهم لك صمت وعلى رزقك أفطرت ، (المراسيل لأبي داود ص: 124) **حدیثی ضعیف ومرسل است** ، دو علت در این روایت است یکی جهالت راوی معاذ بن زُهْرة ودیگری ارسال وارسال هم از جهت راوی مجهول است ، ودعای **صحیحی** وجود دارد که متاسفانه آن را نمی خوانند وآن این است : عن ابن عمر قال: كان رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إذا أفطر قال: **ذهب الظَّمأ، وابتلتِ العرُوقُ، وثبَتَ الأجر إن شاء الله**(سنن أبي داود 2/ 306) ، این حدیث را **حاکم وذهبی صحیح** قرار دادند وشیخ آلبانی ودارقطنی حسن ، گفتند.

**(42) می گوید** : در کتب حدیث این دعا مختصر یافت می شود حضرت عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما موقع افطار این دعا را می خواند : اللهم إني أسألك برحمتك التي وسعت كل شيء أن تغفر لي .
**می گویم :** این حدیث را ابن ماجه(1/ 557) در سنن خود روایت کرده ، منذری در الترغيب (2/53) می گوید : در سندش اسحاق است واسحاق مدنی است شناخته نمی شود مجهول است . ، وشیخ آلبانی در ضعيف الترغيب (1/146) می گوید : ضعیف است .

**(43) می گوید :** در بعضی از کتابها از خود آنحضرت صلی الله علیه وسلم این دعا نقل شده : یا واسع الفضل اغفرلی .
**می گویم :** این دعا در هیچ کتاب حدیثی با سند صحیح وجود ندارد ، آنچه مشهور است در بعضی از کتب فقه شافعی در لابلای بعضی از ادعیه افطار وجود دارد وبا لفظ دیگری : یا واسع المغفرة اغفرلی ، یک حدیث ویک أثر از ابن عمر وجود دارد ، حدیث مرفوع موضوع است و اثر موقوف بر ابن عمر خالی از اشکال نیست برای اطلاع بیشتر به رساله (تحقیق الصواب في ان دعاء الصایم مستجاب) رجوع شود تک تک احادیث را نقد وبررسی کرده .

**(44) حدیث ششم متن عربی از فصل اول :** عن أبي هريرة، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: " ثلاثة لا ترد دعوتهم : الصائم حتى يفطر، والإمام العادل، ودعوة المظلوم يرفعها الله فوق الغمام ويفتح لها أبواب السماء ويقول الرب: وعزتي لأنصرنك ولو بعد حين .
رواه احمد فی حدیث والترمذی وحسنه وابن خزیمة وابن حبان فی صحیحیهما کذا فی الترغیب .

**می گویم :** این حدیث را ترمذی حسن قرار داده وشیخ آلبانی می گوید : با این سند ضعیف است وبعضی الفاظش صحیح است .

**(45) می گوید :** از حضرت عایشه رضی الله عنها نقل که هر گاه رمضان می رسید رنگ چهره آنحضرت صلی الله علیه وسلم عوض می شد ونمازهایشان اضافه می گشت ودر دعا خیلی اظهار عجز می کردند وخوف بر وی غالب می شد .
**می گویم :** این حدیث را بیهقی در فضائل الأوقات (ص: 191) و در شعب الإيمان (5/ 234) روایت کرده ، سیوطی (نداء الريان 443) گفته : ضعیف است وشیخ آلبانی می گوید : این حدیث منکر است بعلت این که در سندش راوی بنام محمد بن عبدالحمید التمیمی وجود دارد ، ندیدم کسی شرح حالش را بیان کند ، یعنی مجهول است و مناوی در فیض القدیر می گوید : بعلت وجد عبد الباقي بن قانع در سند این حدیث معلول است ، می گویم : نسخه ای که شیخ آلبانی از آن استفاده کرده ممکن است در آن محمد بن عبدالحمید التیمی نوشته باشد ، ولی در شعب الایمان وفضائل الاوقات محمد بن عبدالمجید التمیمی نوشته شده این راوی را محمد بن غالب تضعیف کرده (تاريخ بغداد 3/682) و ذهبی در ميزان الاعتدال (3/ 630) بعد از نقل تضعیفش دو تا از احادیث منکرش را بیان کرده .

**(46) می گوید** : آنحضرت صلى الله عليه وسلم تا پایان رمضان به رختخواب نزدیک نمی شدند.
**می گویم :** قسمتی از حدیث عایشه رض است که بیهقی در شعب الایمان (5/ 234) روایت کرده : عن المطلب بن عبد الله، عن عائشة، زوج النبي صلى الله عليه وسلم أنها، قالت: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا دخل شهر رمضان شد مئزره، ثم لم يأت فراشه حتى ينسلخ ، ابن حجر در تقریب (534) می گوید : المطلب بن عبدالله صدوق است بسیار ارسال می کند وأبو حاتم می گوید : روایتش از عایشه مرسل است وعایشه را درک نکرده (تهذيب الكمال28/83) ، پس این حدیث ضعیف ومرسل (منقطع) است در فضائل اعمال قابل احتجاج نیست .

**(47) می گوید** : در روایتی آمده که الله جل جلاله در رمضان به حاملین عرش دستور می دهد که عبادتهای خود را ترک کرده بر دعاهای روزه داران آمین می گویند.
**می گویم :** این روایت از اسرائیلیات است که با سند ضعیف دارای راویان مجهول در کتاب العرش385 ابن ابی شیبة روایت شده وقایل حضرت موسی ع است نه رسول خدا ص اگر ساده لوحی بخواند اینگونه فکر می کند که حدیث قدسی است .

**(48) می گوید :** در حدیثی ذکر شده که روز قیامت الله جل جلاله بنده اش را طلب کرده می فرمایند : ای بنده من ، به تو دستور دعا داده بودم ووعده قبولیت آنرا داده بودم آیا تو دعا کرده بودی ؟ او عرض می کند که دعا کرده ام ، ... الخ
**می گویم :** این حدیثی طولانی است در شعب الایمان بیهقی(2/ 379) ومستدرک حاکم(1/671) ، در سندش أبو عاصم عباداني، و فضل بن عيسى است ، ابن حجر در التقریب در مورد عبادانی می گوید : لین الحدیث ودر تهذیب الکمال(34/7) آمده گروهی ضعیف قرار دادند وگروهی توثیقش کردند ، به آنچه متفرد باشد استدلال نمی شود وفضل بن عیسی، ابن حجر در موردش می گوید : منکر الحدیث است ومتهم بقدری بودن است وذهبی( الكاشف 2/ 122) می گوید ساقط است ، پس این حدیث منکر وشدیدا ضعیف است وارزش استدلال در فضائل اعمال را ندارد ، شیخ آلبانی والترهيب (1/253) می گوید : ضعیف است .

**(49) می گوید :** در یک روایت رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است : جان واولاد وهمچنین خادم خود را دعای بد نکنید مبادا دعا با آن اوقات قبولیت همزمان گشته ودعا قبول شود .
**می گویم :** این حدیث را با این الفاظ امام ابو داود در سننش(2/ 88) روایت کرده : لا تدعوا على أنفسكم، ولا تدعوا على أولادكم، ولا تدعوا على خدمكم، ولا تدعوا على أموالكم، لا توافقوا من الله تبارك وتعالى ساعة نيل فيها عطاء، فيستجيب لكم ، ابو داود می گوید : این حدیث متصل است وشیخ آلبانی می گوید : این حدیث صحیح است .

**(50) می گوید :** حضرت عمر فاروق از آنحضرت صلی الله علیه وسلم نقل می کند کسی که درماه مبارک رمضان الله جل جلاله را یاد کند بخشوده می شود و کسی که در این ماه از الله جل وجلاله چیزی طلب نامراد نمی گردد .
**می گویم :** این حدیث موضوع وجعلی ودروغین است بیهقی در فضائل الاوقات (ص: 192) وشعب الایمان (5/236 ) وطبرانی در معجم الاوسط (6/195) از طریق یک سند مسلسل با کذاب وضعیف روایت کردند : عبد الرحمن بن قيس الضبي قال : ثنا هلال بن عبد الرحمن، عن علي بن زيد، عن سعيد بن المسيب، عن عمر بن الخطاب قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ذاكر الله في رمضان مغفور له، وسائل الله فيه لا يخيب» **طبرانی می گوید :** لم يرو هذا الحديث عن علي بن زيد إلا هلال بن عبد الرحمن، تفرد به عبد الرحمن بن قيس، ولا يروى عن عمر إلا بهذا الإسناد وابن حجر می گوید : عبد الرحمن بن قيس الضبي متروک است ابو زرعه ودیگران وی دروغگو قرار دادند و هلال بن عبد الرحمن را عقیلی منکر الحدیث قرار داده(عمدة القاري 10/269) وذهبی می گوید : ضعف بر احادیثش آشکار است باید ترک کرده شود (ميزان الاعتدال4/315 ) وعلی بن زید هم بالاتفاق ضعیف است ومتهم در جعل این حدیث عبدالرحمن بن قيس الضبي است ، شیخ آلبانی می گوید : این حدیث موضوع است .

**(51) می گوید :** از روایت ابن مسعود نقل شده که در هر شب رمضان یک منادی صدا می کند که ای خواهان خیر متوجه شو وبه پیش برو ای طلب کننده بدی کوتاه بیا وصرف نظر کن سپس آن فرشته می گوید : آیا کسی هست که بخشایش بخواهد تا بخشوده شود ؟ آیا کسی هست که دعا کند تا دعای او قبول گردد ؟ آیا کسی هست که از الله جل وجلاله بخواهد تا آنچه خواسته است به او عطا کرده شود ؟ .
**می گویم :** این حدیث قسمتی از یک حدیث طویل است که بیهقی در شعب الایمان(5/222) وفضائل الاوقات(ص : 169) روایت کرده سیوطی در اللآلىء المصنوعة في الأحاديث الموضوعة (2/87 ) وکنانی در تنزيه المرفوعة عن الأخبار الموضوعة (2/155 ) ذکر کردند و شیخ آلبانی در ضعيف الترغيب (1/150) می گوید : ضعیف است .

**(52) می گوید :** ارشاد رسول الله صلی الله علیه وسلم که بسیاری از آدمهای پریشان هستند که دستها را بسوی آسمان دراز کرده دعا می کنند ویارب یارب می گویند ولی چون غذای آنها حرام نوشیدنیهای آنها حرام ولباس آنها حرام است در چنین وضعی چطور ممکن است دعای آنها قبول شود ؟
**می گویم :** قسمتی از یک حدیث صحیح است در صحیح مسلم(2/703) وسنن ترمذی(5/220) .

**(53) می گوید :** مورخین نوشته اند که در شهر کوفه گروهی از مردان آنهایی که دعایشان قبول می شد وجود داشتند که هر گاه حاکمی ظالم بر آنها مسلط می شد در حق او دعای بد می کردند در نتیجه او به هلاکت می رسید وقتی حجاج بن یوسف ستمگر معروف بر آنها مسلط شد آنها را در یک دعوت خصوصی برای خوردن طعامی جمع کرد وقتی از خوردن فارغ شدند حجاج گفت : من از خطر دعای بد این گروه نجات یافتم زیرا اکنون غذای حرام در شکم ها داخل شد .
**می گویم :** این داستانی منکر وبی اساس است ، این گروه صالح ومستجاب الدعوة چرا برای اصلاح ظالم دست به دعا بر نمی داشتند ؟ می دانستند که این شخص ظالم است چرا دعوتش را پذیرفتند ؟ شاید قصد کشتن آنها را داشته ودر غذایشان سم ریخته بود ! آیا گروه صالح ومستجاب الدعوة کمتر از سعید بن جبیر بودند که از دین وایمانش در مقابل حجاج دفاع کرد وخود را بکشتن داد ؟ اما تخریج این داستان : من در کتاب معتبری این روایت را ندیدم بلکه بروسوی حنفی در کتاب روح البیان(1/297) بدون سند ذکر کرده وکتاب روح البیان کتابیست مملو از خرافات واراجیف صوفیانه است که قابل اعتماد محققین نیست .

**(54) حدیث هفتم متن عربی :** عن ابن عمر رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : إن الله وملائكته يصلون على المتسحرين .
رواه الطبراني في الأوسط وابن حبان في صحيحه کذا فی الترغیب
**می گویم :** شیخ آلبانی در (صحيح الترغيب1/257) می گوید حسن است وشیخ شعیب ارناووط هم صحیح قرار داده واز محدثین قدیم ابن حبان صحیح قرار داده وهمچنین سیوطی ومناوی هم حسن قرار دادند .

**(55) می گوید :** رسول الله صلی الله علیه وسلم ارشاد فرمودند : فرق میان روزه ما وروزه اهل کتاب سحری خوردن است آنها سحری نمی خورند .
**می گویم :** این حدیث صحیحی است که مسلم(2/770) و ابو داود ونسائی وترمذی روایت کردند : عن عمرو بن العاص، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «فصل ما بين صيامنا وصيام أهل الكتاب، أكلة السحر»

**(56) می گوید :** ارشاد شده که در سه چیز برکت وجود دارد : در جماعت در ثرید وخوردن سحری .
**می گویم :** این حدیثی است که بیهقی در شعب الایمان وطبرانی در معجم الکبیر از سلمان الفارسی روایت کردند هیثمی در مجمع الزوائد می گوید : در سندش ابو عبدالله البصری است ، ذهبی گفته مجهول است وبقیه رجال سند ثقه هستند وشیخ آلبانی در صحيح الترغيب (1/257 ) می گوید : حسن لغیره است .

**(57) می گوید** : هر گاه رسول الله ص یکی از اصحاب را برای شرکت با خود در غذای سحر دعوت می کرد می فرمودند : بیا غذای با برکت بخور .
**می گویم :** این حدیث را با یک کمی اختلاف الفاظ ابو داود ونسائی در سنن خویش عرباض بن ساریه روایت کردند ، ابن حبان وابن خزیمه صحیح قرار دادند ، شیخ آلبانی می گوید : صحیح است .

**(58) می گوید :** در حدیثی ارشاد شده که با خوردن سحری بر روزه گرفتن قوت حاصل کنید واز خوابیدن در نیمروز برای بلند شدن در شب کمک بگیرید .

**می گویم :** این حدیث را ابن ماجه(1/540) از ابن عباس روایت کرده شیخ آلبانی(ضعيف الترغيب1/162) وشیخ محمد فواد عبدالباقی وشیخ اعظمی هندوستانی در تحقیقش بر صحيح ابن خزيمة (3/214) ضعیف قرار دادند زیرا در سندش زمعة بن صالح واو ضعيف است (تقریب التهذیب) .

**(59) می گوید :** عبدالله بن حارث از یکی از صحابه نقل مي کند که من موقعی که رسول الله ص سحری می خوردند به خدمتشان حاضر شدم آنحضرت ص فرمودند این یک چیز پر برکتی است که الله جل جلاله به شما عطا فرموده آنرا ترک نکنید .

**می گویم :** این حدیث را نسائی در سنن(4/145) روایت کرده ، حافظ منذری می گوید : سندش حسن است وشیخ آلبانی می گوید : حدیث صحیحی است (صحيح الترغيب1/258) .

**(60) می گوید :** آنحضرت صلی الله علیه وسلم در روایات زیادی به خوردن سحری ترغیب داده ، حتی فرمودند : که اگر چیز دیگری نباشد یک دانه خرمای خشک بخورد یا یک جرعه آب بنوشد .

**می گویم :** در ترغیب به سحری احادیث صحیح زیادی وجود دارد ، وقسمت دوم حدیث را با این الفاظ ندیدم ، مگر حدیثی بروایت نسائی در سنن(4/147) از سحری نبی اکرم ص از حضرت انس وجود دارد که حضرت ص با آب وخرما افطار کردند شیخ آلبانی میگوید صحیح الاسناد است ، در حدیثی دیگر آمده : بهترین سحری مومن خرماست بروایت ابوداود ، شیخ آلبانی می گوید : صحیح است ، در حدیثی دیگر است : سحری بخورید ولو اینکه آب باشد ، سیوطی این حدیث را ضعیف قرار داده ، شیخ آلبانی می گوید : صحیح است ، ودر حدیثی دیگر روایت شده : ای بار الها برکت بده به امت من در سحری خوردنش ، سحری بخورید ولو اینکه یک جرعه ای از آب باشد ، یا این که خرمائی باشد ، یا اینکه چند دانه کشمش باشند ، زیرا فرشتگان بر سحری خورندگان درود می فرستند ، این حدیث موضوع است طبرانی در مسند الشاميين (1/32) از ابو امامه روایت کرده در سندش محمد بن محصن عکاشی است متهم به دروغ ووضع وجعل حدیث است ودر سند بعضی از روایات محمد بن اسحاق نوشته شده ودر بعضی محمد بن اسحاق الاسدی ودر بعضی محمد بن اسحاق العکاشی همگی یک فرد هستند (تقريب التهذيب 505) وقول محقق فوائد ابن منده91 که گفته سندش جید است اشتباه است زیرا محمد بن اسحاق راوی در سندش همین عکاشی است نه ابن یسار ؛ ومطلق حدیث : که سحری بخورید که در آن برکت است حدیثی صحیحی است که بیان آن گذشت .

**(61) می گوید :** رسول الله صلی الله علیه وسلم یکبار در حالیکه برای جهاد می رفتند اعلام می فرمودند : که روزه گرفتن در سفر عمل نیکی نیست .
**می گویم :** حدیث صحیحی است که کتب ستة همگی روایت کردند **،** ليس البر أن تصوموا في السفر.

**(62) می گوید :** عن أبي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رب صائم ليس له من صيامه إلا الجوع ورب قائم ليس له من قيامه إلا السهر
رواه ابن ماجه واللفظ له والنسائي وابن خزيمة في صحيحه والحاكم وقال (صحيح) على شرط البخاري ذکر لفظهما المنذری فی الترغیب بمعناه **می گویم :** شیخ آلبانی می گوید : حدیثی حسن وصحیح است (صحيح الترغيب 1/262) .

**(63) می گوید :** عن أبي عبيدة رضي الله عنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول الصيام جنة ما لم يخرقها .
رواه النسائي وابن ماجة وابن خزيمة والحاکم وصححه علی شرط البخاری والفاظهم مختلفة حکاها المنذری فی الترغیب
**می گویم :** این حدیث با این الفاظ مرفوعا ضعیف است ، وموقوفا بر ابو عبیده هم ضعیف است چون در سندش افرادی مجهول قرار دارند هر دو روایت را نسائی روایت کرده شیخ البانی هردو روایت را تضعیف کرده واما قسمت اول حدیث با لفظ : الصیام جنة ، صحیح است که بخاری ومسلم روایت کردند .

**(64) می گوید :** در روایتی آمده که روزه حفاظت است از عذاب الله جل وجلاله .
**می گویم :** شیخ البانی در صحيح الجامع الصغير وزيادته (2/ 718) می گوید : صحیح است .

**(65) می گوید :** در روایتی دیگر آمده که روزه از جهنم حفاظت می کند .
**می گویم :** این حدیث را ترمذی ونسائی روایت کردند شیخ آلبانی می گوید : صحیح است .

**(66) می گوید :** در روایتی آمده که شخصی از رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال کرد که روزه با چه چیز پاره می شود ؟ آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند : با دروغ وغیبت .

**می گویم :** این حدیث را طبرانی در معجم الاوسط(5/13) وقوام السنة در الترغیب والترهیب (2/383) روایت کردند ، هیثمی در مجمع الزوائد می گوید : در سندش ربیع بن بدر است واو ضعیف است ، شیخ آلبانی در ضعیف جامع الصغیر3579 می گوید : شدیدا ضعیف است .

**(67) می گوید :** ارشاد رسول الله صلی الله علیه وسلم است که نگاه تیری است از تیرهای شیطان هر کس بخاطر خوف الله جل وجلاله از آن پرهیز کند الله جل وجلاله به او چنان نور ایمانی نصیب می فرماید که حلاوت ولذت آن را در قلب احساس می کند.
**می گویم :** این حدیثی ضعیف است که از عبدالله بن مسعود وحذیفه وابن عمر وعلي بن أبي طالب وابو هریره مرفوعا روایت شده ، اما حدیث حذیفه را حاکم در مستدرک (4/349) وخرائطی در اعتلال القلوب (1/137) وقضاعی مسند الشهاب (1/195) وقوام السنه اصبهانی در الترغيب (1/83) وحدیث ابن مسعود را طبرانی در معجم الكبير (10/173) وحدیث ابن عمر را ابو نعیم در حلية الأولياء (6/101) وقضاعی مسند الشهاب (1/196) وحدیث علي بن أبي طالب را خرائطی در اعتلال القلوب (1/137) وحدیث ابوهریره را ابن النجار كنز العمال (5/328) ، روایت کردند ومدار اسانید همگی بر دروغ پردازان وضعفاء است ، در این باب نیازی به احادیث جعلی ودروغین وضعیف نیست .آیه قران : {قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (30) وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ} [النور: 30، 31] کفایت می کند .

**(68) می گوید :** در صحیح بخاری موجود است که روزه برای انسان سپر است .
**می گویم :** این قسمتی از یک حدیث صحیح است صحیح بخاری وصحیح مسلم وسنن اربعه روایت کردند .

**(69) می گوید :** در زمانه رسول الله ص دو زن روزه گرفته بودند در حالت روزه بقدری گرسنه شدند که طاقت تحمل آنرا نداشتند ونزدیک بودند هلاک ... الخ .
**می گویم :** این حدیث شدیدا ضعیف است ، این حدیث را احمد (39/59) در مسند وابویعلی موصلی در مسند (3/147) وابن ابی دنیا در ذم الغيبة 16 وابن ابی شیبه در مسند ورویانی در مسند وقوام السنه در ترغیب روایت کردند حافظ منذری در ترغیب می گوید : یکی از راویان نامش برده نشده ، حافظ عراقی در تخریج احیاء می گوید : در سندش فردی مجهول است (سلسلة الضعيفة2/10) .

 **(70) می گوید :** روزی رسول الله ص چند نفر را دیدند به آنها فرمودند که دندانهای خود را خلال کنید آنها گفتند : ما امروز اصلا گوشت نچشیدیم آنحضرت ص فرمودند : گوشت بدن فلان شخص در دندانهای شماست بعد معلوم شد که آنها غیبت کردند.
**می گویم :** حدیث خلال دندان از غیبت از دو طریق روایت شده یکی از طریق ابن مسعود در معجم کبیر(10/102) طبرانی که هیثمی در مجمع الزوائد (8/94) می گوید : راویانش راویان صحیح هستند ودیگری از طریق عکرمه مرسلا که در درالمنثور به آن اشاره شده ، این حدیث را بدون ذکر خلال خرائطی در مساوی الاخلاق 96 وضیاء الدین مقدسی در الأحاديث المختارة5/72 وقوام السنة اصبهانی در الترغیب 3/134 روایت کردند ، سند روایت مرفوع در خرائطی ومقدسی معلول است ودرستش مرسل موقوف بر ابن ابی لیلی روایت قوام السنة اصبهانی است وآلبانی وآلوسی این حدیث را تصحیح کرده اند وتصحیح آن دو جای تأمل است.

**(71) می گوید :** شخصی از رسول الله ص پرسید پرسید غیبت چیست ؟ آنحضرت ص فرمودند : در غیاب کسی ... الخ
**می گویم :** حدیث صحیحی است که مسلم وابو داود وترمذی روایت کردند .

**(72) می گوید :** یک بار رسول الله ص از کنار دو قبر گذر کردند ، فرمودند : که این هر دو مبتلای عذاب قبر هستند ... الخ .
**می گویم :** حدیث صحیح متفق علیه است.

**(73) می گوید :** ارشاد رسول الله ص است که ربا بیش از هفتاد نوع است که کمترین وسبک ترین آن ، برابر زنا با مادر است ویک درهم ربا از سی وپنج زنا هم سخت تر است وبدترین پلیدترین ربا آبرو ریزی مسلمان است .
**می گویم :** این حدیث را با این الفاظ بیهقی در شعب الایمان (9/82) از ابن عباس روایت کرده وضعیف است شیخ آلبانی می گوید : ضعیف است(ضعيف الترغيب 2/121) ، وابن ابی حاتم رازی می گوید : حدیثی منکر است(سلسلة الصحيحة 4/490) ، اما در شدت گناه ربا آیات قرانی واحادیث فراوان وصحیحی وجود دارد.

**(74) می گوید :** ارشاد رسول الله ص است که غیبت کننده وشنونده هر دو گناه در گناه مشترک اند.
**می گویم :** این حدیث را با این الفاظ غزالی در احیاء العلوم ذکر کرده حافظ عراقی تخریجش نکرده می گوید : غریب است به احتمال زیاد همچنین حدیثی وجود ندارد شیخ فتنی این حدیث را در تذكرة الموضوعات (ص: 170) ذکر کرده اما شبیه این حدیث را طبرانی در معجم الکبیر جـ 13، 14 (ص: 331) از ابن عمر روایت کرده در سندش فرات بن سائب است هیثمی در مجمع الزوائد (8/91) می گوید : فرات بن سائب متروک است ، حافظ عراقی در تخریج إحياء علوم الدين (1/ 235) سندش ضعیف است .

**(75) می گوید :** ارشاد رسول الله ص است که شیطان در بدن انسان همانند خون جریان دارد ، وشما راه های او را بوسیله گرسنگی ببندید .
**می گویم :** این حدیث را غزالی صوفی در احیاء (3/81) ذکر کرده وبه احتمال غزالی زیاد از ابو طالب مکی نقل کرده قسمت اول این حدیث صحیح ومتفق علیه است اما قسمت دوم : فضيقوا مجاريه بالجوع ، اصل واساسی ندارد (صحيح الجامع1/341) ، قدسی در کشف الخفاء (1/221) می گوید : این از جانب اهل تصوف در حدیث درج شده ، قدیمی ترین منبع این روایت قوت القلوب مکی صوفی است ، باز هم ابوطالب مکی بدون سند نقل کرده وگفته در خبر مرسل (منقطع) است وبا لفظ روی با صیغه مجهول نقل کرده اشاره به این است که صحت ندارد (قوت القلوب2/282) ، متاسفانه سندش در دسترس نیست که دیده شود.

**(76) می گوید :** شخصی نزد بشر حافی رفت دید که او از سرما می لرزد در حالیکه لباسهایش را در آورده کنار خود روی زمین گذاشته است به او گفت حالا وقت در آوردن لباس است ؟ فرمود : فقرا زیاد هستند ومن توانایی همدردی با همه آنها را ندارم باید اینقدر همدردی با آنها بکنم که من نیز مثل آنها باشم .
**می گویم :** این داستان بی اصل و اساسی است صحت ندارد ومنکر است ومخالف آیات قرانی وروایات صحیحه است وآنچه از روایات صحیحه بر می آید آخرین درجه همدردی ، همدردی قلبی است برایشان دعای خیر بکنیم نه اینکه لباسهای خود را در آورده ولخت مادر زاد بشود وخداوند در قران حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را الگوی ما قرار داده نه اینکه ما الگوی یک آدم لخت را سرمشق خود قرار دهیم .

**(77) می گوید :** خود رسول الله ص ارشاد فرمودند که پر کردن هیچ ظرفی به بارگاه الله جل وجلاله مانند پر کردن شکم ناپسند نیست در جایی دیگر ارشاد آنحضرت ص نقل شده است که برای انسان ... الخ .
**می گویم :** این دوتا روایت یکی هستند که در مسند احمد (28/423) وترمذی از مقدام نقل شده ، ترمذی می گوید : حسن صحیح ، وحاکم وذهبی وآلبانی صحیح قرار دادند .واندک اختلافی در سماع یکی از راویان وجود دارد که در پاورقی مسند احمد (28/423) ذکر شده .

**(78) می گوید :** رسول الله ص تا چندین روز متوالی پشت سرهم روزه می گرفت و در این میان هیچ چیز نمی خورد .
**می گویم :** شاید اشاره به حدیث وصال باشد رسول الله ص وصال می کردند یعنی چندین روز پشت سرهم روزه می گرفتند یعنی بدون سحری وافطار ، در این مورد احادیث صحیح ومتفق علیه وجود دارد واین مخصوص رسول خدا ص بود وامتی این اجازه را ندارد .

**(79) می گوید :** ارشاد رسول الله ص است بسیار قران خوانان هسند که قران مجید بر آنها لعنت می کند.
**می گویم :** همچنین حدیثی با این الفاظ وجود ندارد بلکه مولف این حدیث را از إحياء علوم الدين غزالی (1/274) نقل کرده وموقوف بر انس بن مالک است وعراقی آنرا تخریج نکرده وشبیه این را ابن ابی حاتم رازی در تفسیرش موقوف بر میمون بن مهران نقل کرده : إن الرجل ليصلي ويلعن نفسه في قراءته فيقول: {ألا لعنة الله على الظالمين} وإنه لظالم .

**(80) می گوید :** ارشاد رسول الله ص است که روز قیامت از جمله کسانی که جلوتر از همه درباره آنها قضاوت می شود مردی شهید ... وعالم ... وثروتمند است ... الخ .
**می گویم :** این حدیث را ترمذی (4/592) روایت کرده و می گوید : حدیث حسن غریب وشیخ آلبانی می گوید : صحیح است.

**(81) می گوید :** عن أبي هريرة رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «من أفطر يوما من رمضان من غير رخصة ولا مرض لم يقضه صوم الدهر کله و ان صامه . رواه احمد والترمذی وابو داود وابن ماجه والدارمی والبخاری فی ترجمة باب کذا فی المشکاة قلت : وسط الکلام علی طرقه العینی فی شرح البخاری .
**می گویم :** این حدیث را شیخ آلبانی در سنن ابن ماجه ترمذی ضعیف قرار داده .

**(82) می گوید :** روایت ابن عباس است که بنیاد اسلام بر سه چیز است : کلمه شهادت ، نماز ، و روزه ... الخ .
**می گویم :** این حدیث را ابو یعلی موصلی در مسند (4/236) وقوام السنه در الترغیب (2/430) روایت کردند ومحقق مسند ابو یعلی موصلی شیخ حسین سلیم اسد وشیخ آلبانی در سلسله ضعیفه (1/211) می گویند : ضعیف است ودیگر اینکه این حدیث منکر است مخالف حدیث صحیح است در حدیث صحیح آمده : بنیاد اسلام بر پنج چیز است .

**(83) می گوید :** فقها تصریح کرده اند : اگر شخصی در ماه رمضان آشکارا بدون عذر روزه بخورد باید کشته شود .
**می گویم :** منظور شیخ در اینجا فقهای حنفی است در رد المحتار (2/ 413) والبحر الرائق (2/299) بنقل از فتاوی بزازیه می گوید : من أكل نهارا في رمضان عيانا عمدا شهرة يقتل .

**باب دوم بیان شب قدر**

**(84) می گوید :** از حضرت انس رض این ارشاد رسول الله ص نقل شده که الله ج شب قدر را به امت من عطا فرموده ، چنین شبی به امتهای گذشته نرسیده است .
**می گویم :** این حدیث را دیلمی در مسند فردوس روایت کرده ( الغرائب الملتقطة من مسند الفردوس لابن حجر نسخه خطی ورق 239 ) شیخ آلبانی می گوید : این حدیث موضوع (ساختگی ودروغین) است ، سلسلة الضعيفة (7/106) .

**(85) می گوید :** رسول الله ص عمر امتهای گذشته را دید که خیلی زیاد بوده است وعمر این امت خیلی کم است که اگر این امت بخواهد در اعمال با امتهای گذشته برابری کند امکان ندارد از این جهت رسول خدا ص اندوهگین شد و ... الخ .
**می گویم :** این حدیث را مالک موطا (1/321) وبیهقی در فضائل الاوقات 208 روایت کرده سندش ضعیف ومعضل است .

**(86) می گوید :** رسول الله ص مردی از بنی اسرائیل را ذکر فرمود که او تا هزار ماه در راه الله جهاد کرده بود صحابه بر او رشک بردند آنگاه الله ج برای تلافی آن شب لیلة القدر را عطا فرمودند .
**می گویم :** این حدیث را بیهقی در سنن الكبرى (4/505) و فضائل الاوقات 207 روایت کرده سندش ضعیف ومرسل است .

**(87) می گوید :** رسول الله ص چهار تن از پیامبران بنی اسرائیل : حضرت ایوب حضرت زکریا حضرت حزقیل وحضرت یوشع را ذکر کردند که هر یک هشتاد سال در عبادت الله ج مشغول شده بودند ... الخ .
**می گویم :** این حدیث موضوع وساختگی ودروغین است این حدیث را ابن ابی حاتم در تفسیرش10/3452 روایت کرده ودر سندش مسلمة بن على است که متروک است ونیز على بن عروة است که متهم به جعل حدیث ودروغ پردازی است (تهذیب الکمال وتهذیب التهذیب)

**(88) می گوید :** در سنن بیهقی از طریق انس رض ارشاد رسول الله ص نقل شده که در شب قدر حضرت جبرئیل ع به همراه گروهی از فرشتگان فرود می آید وهر شخصی را که در ذکر وغیره مشغول می بیند برای او دعای رحمت می کند .
**می گویم :** این حدیث موضوع وساختگی ودروغین است ، بیهقی این حدیث را در شعب الإيمان (5/290) از طریق أصرم بن حوشب و محمد بن يونس روایت کرده ، اصرم متهم به جعل حدیث ودروغ پردازی می باشد (ميزان الاعتدال 1/272) ومحمد بن یونس متروک است (ميزان الاعتدال4/74) .

 **(89) می گوید :** در یک روایت در منثور آمده است : در شب لیلة القدر حضرت عیسی به آسمان برده شد ودر همین شب توبه بنی اسرائیل قبول شد .
**می گویم :** سیوطی در الدر المنثور (1/457) می گوید : این حدیث را ابو یعلی وابن عساکر روایت کردند ، ومدار روایت ابو یعلی بر دو راوی یکی ضعیف ودیگری مجهول می باشد وموقوف بر حسن بن علی است راوی دوم که مجهول است در مسند ابویعلی محقق حسین سلیم اسد این سند را صحیح قرار داده ودر صفحه بعد سکین از حفص روایت می کند که محقق کتاب ضعیف قرار داده ، درستش همانطور که در معجم اوسط طبرانی (8/224) وتاریخ طبری (5/157) ومناقب علی بن ابی طالب ابن مغازلی (37) ومقتل علی لابن ابی الدنیا (85) والبدایة والنهایة (11/27) وتاریخ ابن عساکر (42/ 582) حفص بن خالد آمده وحفص اگر الاحمسی کوفی باشد همانطور که در میزان الاعتدال آمده مجهول است واگر ابن جابر باشد بجز ابن حبان کسی دیگر وی را توثیق نکرده است راوی دیگر سكين بن عبد العزيز است که ابن حجر می گوید : صدوق است از ضعفاء روایت می کند ، وسکین در نقل این روایت منفرد است .

**(90) می گوید :** عن أبي هريرة رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم، قال: «من قام ليلة القدر إيمانا واحتسابا، غفر له ما تقدم من ذنبه . کذا فی الترغیب عن البخاری ومسلم
**می گویم :** قسمتی از یک حدیث صحیح در بخاری ومسلم است .

**(91) می گوید :** عن أنس قال دخل رمضان فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن هذا الشهر قد حضركم وفيه ليلة خير من ألف شهر من حرمها فقد حرم الخير كله ولا يحرم خيرها إلا محروم.
رواه ابن ماجه وإسناده حسن إن شاء الله کذا فی الترغیب وفی المشکاة عنه الا کل محروم.
**می گویم :** شیخ آلبانی می گوید : این حدیث حسن وصحیح است .

**(92) می گوید :** حضرت عمر فاروق رض بعد از نماز عشا که به خانه می رفت تا صبح به نماز مشغول می شد .
**می گویم :** این روایت صحت ندارد بلکه بر عکسش از عمر بن خطاب ثابت شده ، این روایت را ابن کثیر در البداية والنهاية ط إحياء التراث (7/152) بدون سند نقل کرده وبا لفظ تمریض : قیل ، روایت نموده یعنی صحت ندارد ، اما روایت صحیح از عمر بن خطاب ونظریه ایشان این است که : اگر نماز صبح را با جماعت ادا کنم نزد من محبوبتر است از این که شب تا صبح نماز بخوانم (مصنف عبد الرزاق1/ 526) ، واما آنچه عبدالحی لکهنوی حنفی در مقدمه التعلیق الممجد علی موطا محمد(1/36) ادعا کرده که با نقل صحیح از عمر بن خطاب وغیره ثابت شده که ایشان همه شب را زنده داری می کردند وقران را در یک شب ختم می نمودند وتا صبح هزار رکعت می خواندند قولی باطل وبی اساس وخلاف منهج وروش رسول خدا ص است .

**(93) می گوید :** حضرت عثمان غنی رض تمام روز ، روزه می گرفت وتمام شب تا صبح به نماز می پرداخت ، فقط در اول شب می خوابید .
**می گویم :** این روایات هم صحت ندارند منکر وشدیدا ضعیف هستند ، ومخالف دستورات پیامبر ص هستند ، این روایت را احمد بن حنبل در کتاب الزهد روایت کرده ، در سندش فردی به نام زبیر بن عبدالله بن رهیمه است حافظ ابن عدی در الكامل في ضعفاء الرجال (4/194) بعد از ذکر چند حدیث از وی می گوید : وأحاديث زبير هذا منكرة المتن والإسناد ، این روایات منکرة المتن هستند زیرا رسول خدا ص از روزه پشت سر هم نهی کرده ، وعثمان هرگز مخالفت رسول الله ص را نمی کند .

**(94) می گوید :** حضرت عثمان غنی رض در یک رکعت از نمازهای شب تمام قران مجید را تلاوت می کرد .
**می گویم :** این روایت هم صحت ندارد منکر وشدیدا ضعیف است ، آقای کاندهلوی عمدا نام وتر را از این روایت حذف کرده چون در مذهب حنفی خواندن یک رکعت وتر جائز نیست وآنچه در این روایت آمده : ختم قران در یک رکعت است ، ورسول خدا ص ختم قران را کمتر از سه روز نهی کرده ، چگونه عثمان با دستور رسول خدا ص مخالفت می ورزد ، وخود رسول خدا ص یک شب تا صبح را با عبادت نگذرانده ، بالفرض بگوئیم : که این روایت صحت دارد باز هم با عقل انسان جور در نمی آید ، زیرا یک ختم قران با تدبر حدود 72 ساعت زمان می برد واگر هم سرعت بیشتر شود نمی توان کمتر از 30 ساعت ختم قران نمود چگونه عثمان قران را در ظرف 8 ساعت که مدت زمان بین نماز صبح وعشا است ختم نموده ؟ وهمه اینها مخالف احادیث صحیحه هستند عایشه رض می فرماید : تا جائیکه من می دانم رسول خدا ص کل قران را در یک شب نخوانده وهمه شب را تا صبح با نماز نگذرانده وبجز ماه رمضان ماهی دیگر را کاملا روزه نگرفته (صحيح مسلم 1/513) .

**(95) می گوید :** از ابو طالب مکی نقل شده که درباره چهل نفر از تابعین به تواتر ثابت شده است که آنها نماز صبح را با وضوی عشاء می خواندند .
**می گویم :** این مطلب هم صحت ندارد به چند دلیل ، آنچه در قوت القلوب ابو طالب مکی (1/72) نوشته شده : کسانی که به شب زنده داری کامل وخواندن نماز صبح با وضوی نماز عشا به مدت سی یا چهل سال مشهور هستند از چهل نفر از تابعین نقل شده ... اهـ ، ابو طالب مکی تواتر را ذکر نکرده وهمچنین کاندهلوی سی یا چهل سال را نقل نکرده ، حتی نمی توان تواتر را در حق یک نفر تابعی ثابت کرد ، واگر بالفرض بگوئیم که این روایت صحت دارد باز هم حجت نمی شود چون عمل تابعین حجت نیست واین عملشان مخالف با روش وهدی نبی اکرم ص است ، وهدی نبی اکرم ص خواب واستراحت وقیام اللیل است وباز هم در این فضیلتی نیست که چندین ساعت وضو را محکم نگاه داشته تا با آن نمازی دیگر خوانده شود ، بلکه فضلیت در وضو گرفتن است که وضو علی وضو نور علی نور است .

**(96) می گوید :** حضرت شداد رض شب دراز می کشید وتمام شب پهلو عوض می کرد وبهمین وضع بدون اینکه خوابش ببرد صبح بلند می شد ومی گفت : یا الله ترس آتش خوابم را از من دور کرده است .
**می گویم :** این اثر را ابو نعیم در حلیة الاولیاء (1/264) نقل کرده ودر سندش دو راوی ضعیف بنام فرج بن فضاله واسد بن وداعه وجود دارد ، اسد بن وداعه ناصبی است به حضرت علی ناسزا می گوید ونسائی گفته ثقه است وابن حبان وی را در ثقات ذکر کرده (لسان الميزان1/385) استاد ماهر الفحل می گوید : یکی از قواعد در علم حدیث این است : هر که صحابه را سب کند نه ثقه است ونه مأمون (الفوائد والقواعد الحدیثیه تحت قاعده 52) ، وفرج بن فضاله ضعیف است ابن حجر ودارقطنی ودیگران تضعیفش کردند (تقریب وتهذیب (8/260) ، در ضمن ترس از آتش باید در حد اعتدال باشد چنانچه در حدیث صحیح آمده : اللهم اقسم لنا من خشيتك ما يحول بيننا وبين معاصيك ، یعنی ای بار الها آن اندازه از خوف وترس خود را بر ما تقسیم بفرما که بین ما وبین گناهان پرده افکند (سنن ترمذی5/528) وشداد رض صحابی است .

**(97) می گوید :** اسود بن یزید در ماه رمضان فقط بین مغرب وعشاء کمی خوابیده وبس .
**می گویم :** قسمتی از قول ابراهیم است در حلیة الاولیاء (2/103) که می گوید : كان الأسود يختم القرآن في رمضان في كل ليلتين وكان ينام بين المغرب والعشاء وكان يختم القرآن في غير رمضان في كل ست ليال ، یعنی اسود قران را در ماه رمضان در هر دو شب ختم می کرد وبین مغرب وعشا می خوابید ، ودر غیر ماه رمضان در هر شش شب قران را ختم می کرد . این اثر هم مثل آثار قبلی منکر وضعیف است ویک راوی بنام عبدالله بن صندل در سندش وجود دارد که جرح وتعدیلی درباره اش ندیدم وختم در دوشب مخالف روش رسول الله ص است .

**(98) می گوید :** درباره سعید بن مسیب نقل شده که تا پنجاه سال نماز صبح را با وضوی عشا خوانده است .
**می گویم :** بیچاره سعید بن مسیب حتی یک شب این نماز را نخوانده چه برسد به پنجاه سال ، آنچه در این مورد وجود دارد آثار ضعیفه ومنقطعه هستند معروف است سعید بن مسیب سی یا چهل سال با وضوی عشا نماز صبح را خوانده که صحت ندارد واین مطلب را ابو طالب مکی در قوت القلوب (1/72) بدون سند وبا لفظ تمریض ذکر کرده ودر وفيات الأعيان (2/375) آمده : وقيل إنه صلى الصبح بوضوء العشاء خمسين سنة ، گفته شده که وی نماز صبح را با وضو عشا پنجاه سال خوانده ، واین هم بدون سند وبا لفظ تمریض است .

**(99) می گوید :** صله بن اشیم تمام شب نماز می خواند وصبح اینطور دعا می کرد : یا الله من لایق نیستم که بهشت را تقاضا کنم فقط از تو می خواهم که از آتش نجاتم دهی .
**می گویم :** قسمتی از یک اثر است در حلیة الاولیاء (2/240) که ضعیف ومنکر است زیرا سندش منقطع است وراوی مجهول بنام عبدالله بن خبیق نیز در سندش می باشد وعبادت یک شب کامل مخالف روش رسول خدا ص است .

**(100) می گوید :** حضرت قتاده رض در تمام رمضان در هر سه شب یکبار قران مجید را ختم می کرد ولی در ده شب آخر در هر شب یکبار قران را ختم می نمود .
**می گویم :** این اثر را ابو نعیم در حلیة الاولیاء (2/339) روایت کرده منکر وضعیف است ودر سندش سلام بن أبي مطيع است ثقه است اما روایاتش از قتاده ضعیف است (ابن حجر وابن عدی) ، حاکم می گوید : به غفلت وسوء حافظه منسوب است وابن حبان می گوید : احادیث را از اساتیدش بد دریافت می کرد و در آنچه به تنهایی روایت می کند روا نیست حجت قرار داده شود (تهذیب التهذیب) .

**(100) می گوید :** درباره امام ابوحنیفه رح آمده است که تا چهل سال نماز صبح را با وضوی عشاء می خواند واین مطلب آنقدر مشهور ومعروف است که با انکار آن بطور کلی اعتماد به تاریخ از بین می رود ، از او سوال شد که تو این قوت را چگونه حاصل کردی ؟ در جواب فرمود : که من بوسیله نامهای الله ج به طریق مخصوصی دعا کرده بودم .ایشان فقط نیمروز می خوابید ، او در حال تلاوت قران مجید بقدری گریه می کرد که همسایه هایش بر حال او رحم می کردند ، یکبار تمام شب را در تلاوت این آیه ***(بل السَّاعةُ موعِدُ هم )*** ودر حال گریه بسر برد .
**می گویم :** این جریانات هم از قبیل جریانات بی اساس سعید بن مسیب ودیگران هستند هستند ، **چهل سال نماز صبح را با وضوی عشاء خواندن** را خطیب بغدادی در تاریخش (15/484) از قول اسد بن عمرو روایت کرده واسد بن عمرو را بعضی توثیق کرده اند وبعضی تضعیف کرده اند ، یحیی بن معین می گوید : بسیار دروغگوست هیچی نیست وامام بخاری می گوید : ضعیف است وابن حبان می گوید : در مذهب ابو حنیفه حدیث جعل می کرد وراوی دیگری بنام حماد بن قریش در سند این روایت است که مجهول است ، واین عمل که به امام ابو حنیفه نسبت می دهند بر خلاف روش نبی اکرم ص است ویک نوع تشدد وتعنت وتکلف وبدعت است که نه رسول خدا ص انجام داده ونه صحابه ونه خلفای راشدین ، بلکه رسول خدا ص شب می خوابید واستراحت می کرد وبعد بلند میشد ونماز نافله می خواند ونگهداشتن وضو تا صبح کراهت دارد به علت حدیث صحیح : من یدافعه الاخبثان ، وحدیث وضو علی وضو که نور علی نور است ، عبدالحی لکهنوی حنفی می گوید : شأن ودرجه امام ابو حنیفه بسیار بلند تر از این است که برای وی فضلیتی مثل این احادیث دروغین وموضوع ثابت شود وبرای فضیلت ودرجه بالا مرتبه امام ابو حنیفه احادیث صحیح کافی هستند مثل حدیث متفق علیه صحیح بخاری ومسلم : لو كان الإيمان عند الثريا لناله رجال من فارس ، اگر علم ودانش به دوری وبلندی ستاره ثریا باشد مردانی از سرزمین فارس دست خواهند یافت .( أبو حنيفة طبقته83) ، سیوطی می گوید : در این حدیث اشاره به امام ابو حنیفه است وابو حنیفه فارسی زبان از اهل فارس است واما قول محمد زکریا : **واین مطلب آنقدر مشهور ومعروف است که با انکار آن بطور کلی اعتماد به تاریخ از بین می رود** ، می گویم : مشهور بودن ومعروف یک قول دلیل بر صحت آن قول نیست وچه بسا اقوال واحادیثی معروف ومشهور هستند اما ریشه واصل واساسی ندارند ومحققین در این باره کتابهای نوشته اند از قبیل : کتاب التذکرة فی الاحادیث المشتهرة از بدر الدین الزرکشی الشافعی متوفای 794 هجری و الدرر المنتثرة في الأحاديث المشتهرة از جلال الدین سیوطی متوفای 911 هجری و اللآلئ المنثورة في الأحاديث المشهورة ، اگر با انکار روایات وفضایل دروغین یک شخصیت پائین تر از پیامبر ص وصحابه وخلفای راشدین اعتماد به تاریخ از بین برود ! پس بطریق اولی نفی بعضی از فضایل دروغین در حق صحابه وانبیاء ، اعتماد به تاریخ از بین خواهد رفت وچه بسا روایاتی که محققین در فضایل پیامبر ص وصحابه رد کرده وانکار کرده اند وهیچ لطمه ای هم به این تاریخ مزعوم نخورده وسر جایش باقیست ، خارجه بن مصعب می گوید : **چهار کس از امامان کل قران را در یک رکعت ختم کردند :** عثمان بن عفان وتمیم داری وسعید بن جبیر **وابو حنیفه** ، می گویم : خارجه بن مصعب بالاتفاق مجروح است وابن معین در یک روایت می گوید : خارجه بن مصعب بسیار دروغگوست **، او در حال تلاوت قران مجید بقدری گریه می کرد که همسایه هایش بر حال او رحم می کردند ، یکبار تمام شب را در تلاوت این آیه *(بل السَّاعةُ موعِدُ هم )* ودر حال گریه بسر برد ،** این مطلب قسمتی از روایت اول است یعنی روایت اسد بن عمرو (تاريخ بغداد15/484) ،

**(101) می گوید :** ابراهیم بن ادهم در رمضان مبارک نه در روزها می خوابید ونه در شبها .
**می گویم :** این اثر را ابو نعیم در حلیة الاولیاء (7/378) روایت کرده در سندش افرادی مجهول قرار دارند ، ودر ضمن این اثر منکر ومخالف منهج وروش رسول خدا ص است که امر به خواب واستراحت نموده ، سی روز پشت سر هم نخوابیدن ناممکن ومحال و جز خرافات صوفیه است .

**(102) می گوید :** امام شافعی در کل رمضان مبارک در نمازهای روز وشب شصت بار قران مجید را ختم می کرد
**می گویم :** این اثر را ابو نعیم در حلیة الاولیاء (9/134) روایت کرده منکر ومخالف منهج رسول خدا ص است امام ابو حنیفه وامام شافعی تابع رسول خدا ص هستند نه این که در دین خدا مرتکب بدعت ونافرمانی رسول الله ص بگردند ! وخرافاتی که صوفیه نسبت می دهند اصل واساسی ندارد .

**(103) می گوید :** رسول الله ص می فرمایند که الله ج ارشاد فرمودند : ای ابن آدم تو برای عبادت من فارغ شو من سینه ات را از غنا پر می کنم وفقرت را دور می کنم و ... الخ .
**می گویم :** این حدیث را ابن ماجه (2/1376) وترمذی (4/643) در سنن واحمد در مسند (14/321) روایت کردند وشیخ آلبانی این حدیث را در (سلسلة الصحيحة 3/346) صحیح قرار داده.

**(104) می گوید :** عن أنس بن مالك، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: " إذا كان ليلة القدر نزل جبريل عليه السلام في كبكبة من الملائكة يصلون على كل عبد قائم أو قاعد يذكر الله عز وجل، فإذا كان يوم عيدهم، يعني يوم فطرهم، باهى بهم ملائكته، فقال: يا ملائكتي ما جزاء أجير وفى عمله؟، قالوا: ربنا جزاؤه أن يوفى أجره، قال : ملائكتي عبيدي وإمائي قضوا فريضتي عليهم، ثم خرجوا يعجون إلي بالدعاء، وعزتي وجلالي وكرمي وعلوي وارتفاع مكاني لأجيبنهم، فيقول: ارجعوا فقد غفرت لكم وبدلت سيئاتكم حسنات، قال: فيرجعون مغفورا لهم .
رواه البیهقی فی شعب الایمان کذا فی المشکوة
**می گویم :** این حدیث دروغین وساختگی است ، این روایت را بیهقی در شعب الایمان (5/291) از طریق أصرم بن حوشب ومحمد بن يونس الحارثي روایت کرده ، أصرم بن حوشب را جمهور تضعیف کرده اند ویحیی بن معین در حقش می گوید : کذاب خبیث (1/273) وهمچنین در مورد محمد بن يونس الحارثي ، ازدی می گوید : متروک ، لسان الميزان (5/438) .

**(106) می گوید :** در کتاب غنیة از شیخ عبدالقادر گیلانی از ابن عباس رض روایت شده است که : فرشتگان بنا به دستور جبرئیل ع متفرق می شوند وهیچ خانه بزرگ یا کوچکی وهیچ مزرعه یا بیابانی راکه در آن مومنی باشد نمی گذارند ، مگر اینکه برای مصافحه کردن به آنجا می روند بجز خانه ای که در آن سگ یا خوک یا ناپاکی که از عمل حرام ناپاک شده یا عکس باشد ، در آن داخل نمی شوند .
**می گویم :** این روایت موقوف بر ابن عباس ، روایتی بی اصل واساس است ، وقسمت کوچکی از یک أثر طولانی است که شیخ عبدالقادر گیلانی در غنیة (2/22) با لفظ تمریض روایت کرده واین تضعیفی از شیخ است که صاحب غالیه آنرا از گیلانی نقل نکرده وکاندهلوی نیز بتقلید از وی آورده واین حدیث را با این الفاظ بجز در غنیة وروح المعانی در جای دیگر ندیدم .

**(107) می گوید :** عن عائشة رضي الله عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ، قال : «تحروا ليلة القدر في الوتر ، من العشر الأواخر من رمضان» .
مشکوة عن البخاری .
**می گویم :** این روایت در جلد سه صفحه چهل وشش صحیح بخاری آمده .

**(108) می گوید :** عن عبادة بن الصامت، قال: خرج النبي صلى الله عليه وسلم ليخبرنا بليلة القدر فتلاحى رجلان من المسلمين فقال: «خرجت لأخبركم بليلة القدر، فتلاحى فلان وفلان، فرفعت وعسى أن يكون خيرا لكم، فالتمسوها في التاسعة، والسابعة، والخامسة»
مشکوة عن البخاری .
**می گویم :** این روایت در جلد سه صفحه چهل وهفت صحیح بخاری آمده .

**(109) می گوید :** ارشاد رسول الله ص است : آیا به شما چیزی نشان دهم که از نماز وروزه وصدقه وغیره از همه افضل است ؟ صحابه عرض کردند : حتما بفرمائید ، آنحضرت ص ارشاد فرمودند : خوش رفتاری با یک دیگر بهترذین عمل است وجنگ وناسازگاری با یکدیگر تراشنده ومحو کننده برکات وفیوضات دین است .
**می گویم :** این حدیث صحیحی است که ابو داود (4/280) وترمذی در سنن (4/ 663) روایت کردند ، ترمذی می گوید : حسن صحیح ، وشیخ آلبانی می گوید : صحیح است

**(110) می گوید :** ارشاد رسول الله ص است که هر کس بیش از سه روز با برادر مسلمان خود قطع رابطه کند ، اگر در این حالت بمیرد مستقیما به جهنم می رود .
**می گویم :** حدیث نهی از قهر شدن صحیح است ودر صحیح بخاری (8/19) ومسلم (4/1983) روایت شده ، اما ذکری از جهنم رفتن در آن وجود ندارد .

**(111) می گوید :** در حدیثی ارشاد شده است هر در هر دوشنبه وپنجشنبه اعمال بندگان به بارگاه الله ج پیش می شوند بجز از مشرکین ، دیگر همه به برکت رحمت الله ج وبه سبب اعمال نیک عفو می شوند مگر آن دو نفر که میان آنها جنگ واختلاف باشد درباره مغفرت آنها چنین ارشاد می شود : تا زمانی که صلح نکرده اند آنها را بحال خودشان رها کنید .
**می گویم :** حدیث صحیحی است امام مسلم در صحیحش (4/1987) روایت کرده .

**(112) می گوید :** در روایتی چنین آمده که در شب برات (شب پانزدهم شعبان) رحمت عامه الله ج به طرف مخلوقات متوجه می شود (وبه کوچکترین بهانه ای) مخلوقات مغفرت می شوند ولی دو شخص مغفرت نمی شوند یکی کافر ، دوم کسی که نسبت به دیگری کینه در دل دارد .
**می گویم :** این حدیث با طرق مختلفی از صحابه مختلفی روایت شده ، شیخ قاسمی در اصلاح المساجد می گوید : در مورد شب پانزدهم ماه شعبان حدیث صحیحی وجود ندارد ، این حدیث از ابن مسعود و أبو ثعلبة وأبو بكر صديق وأبو هريرة ومعاذ بن جبل وعوف بن مالك وعبد الله بن عمرو روایت شده کلیه این طرق معلول هستند ، شیخ آلبانی با مجموع طرق این حدیث را به درجه صحیح لغیره رسانده . والله اعلم .

**(113) می گوید :** در جائی ارشاد شده است که سه کس چنان اند که نماز آنها برای مقبولیت یک وجب هم از سرشان بالاتر نمی رود از آن جمله کسانی که میانشان جنگ وجدال باشد.
**می گویم :** این حدیث را ابن ماجه (1/311) روایت کرده شیخ آلبانی می گوید : با این لفظ ضعیف است .

**(114) می گوید :** حضرت ابن عمر رض یک بار حدیثی از رسول الله ص نقل کرد پسرش جمله ای گفت که به ظاهر اعتراض بر حدیث معلوم می شد حضرت ابن عمر رض تا لحظه وفات دوباره با او گفتگو نکرد .
**می گویم :** این حدیث را جناب کاندهلوی کاملا ذکر نکرده جائیکه که مذهب حنفی در خطر بیافتد مطلب را مخفی نگاه می دارد اصل قضیه در این حدیث صحیح مشروعیت نماز خواندن زنان در مسجد با جماعت است که احناف معتقد به مکروه تحریمی بودن هستند ودر این حدیث نفی کراهت ومنع حضور زنان در مساجد است عبدالحی لکهنوی حنفی رساله ای نافع در این باب دارد به نام : تحفة النبلاء في جماعة النساء وامروزه در بعضی از مساجد احناف بر خلاف مذهب خود زنان در نماز جماعت شرکت می کنند ودر این باب احادیث صحیح زیادی وجود دارد برای اطلاع بیشتر به رساله مزبور مراجعه شود.

**(115) می گوید :** روزی رسول الله ص به مسجد تشریف بردند آنجا دیدند که یک صحابی خوابیده است آنحضرت ص به حضرت علی مرتضی رض فرمودند که اورا بیدار کن تا وضو کند حضرت علی مرتضی رض اورا بیدار کرد در ضمن از ... الخ .
**می گویم :** این حدیث را هر چه گشتم نیافتم متنش بیشتر به احادیث ضعیف ومنکر شبیه است .

**(116) می گوید :** در عبادت رمضان ، الله ج جلوی ملائکه افتخار می فرماید .
**می گویم :** بیان این حدیث گذشت این روایت موضوع وجعلی وساختگی ودروغین است .

**(117) می گوید :** عادت الله ج بر این است که چیزهای مهم را مخفی نگاه دارد مثل اسم اعظم که آن را مخفی نگه داشته .
**می گویم :** پنهان بودن اسم اعظم یک افسانه وخرافه صوفیانه است ، بلکه در احادیث صحیحه اسم اعظم بیان شده .

**(118) می گوید :** در یک روایت از ابو هریره آمده است که آنحضرت ص پرسید امروز چه تاریخی است ؟ عرض شد بیست ودوم آنحضرت ص فرمودند : امشب (بیست وسوم) لیلة القدر را تلاش کنید .
**می گویم :** این حدیث را ابن حبان در صحیحش (6/289) روایت کرده ، هیثمی در مجمع الزوائد (3/175) می گوید : سندش حسن است .

**(119) می گوید :** حضرت ابو ذر رض می فرماید : من از آنحضرت ص پرسیدم : شب قدر به زمان رسول خدا ص اختصاص دارد یا بعد از آن هم ادامه دارد ؟ آنحضرت ص فرمودند : تا قیامت ادامه دارد من ... الخ .
**می گویم :** این حدیث را نسائی در سنن الکبری (3/407) وحاکم در مستدرک (2/578) روایت کردند ، شیخ آلبانی در سلسله ضعیفه (7/99) می گوید : ضعیف است ، ومحقق مسند احمد (35/394) می گوید : سندش ضعیف است زیرا در سندش راوی بنام مرثد بن عبد الله الزماني وجود دارد ، ذهبی درباره اش در میزان می گوید : مجهول است .

**(120) می گوید :** از بعضی روایات بطور معین شب بیست وچهارم شب قدر معلوم می شود .
**می گویم :** این روایت را ابو داود طیالسی در مسند(3/622) وطبرانی در معجم الکبیر (1/360) واحمد در مسند (39/323) وطحاوی در شرح معانی الاثار (3/92) ومحمد بن نصر مروزی در قیام اللیل (256) و بزار در مسندش (4/211) روایت کردند این روایت ضعیف می باشد ، شیخ آلبانی در (ضعيف الجامع الصغير 715 و162) این روایات را ضعیف قرار داده .

**(121) می گوید :** حضرت عبدالله بن مسعود رض ارشادمی فرماید : هر کس تمام شبهای سال بیدار باشد می تواند شب قدر را دریابد ، شخصی این گفته را برای ابی بن کعب نقل کرد او ... الخ
**می گویم :** این حدیث را امام مسلم در صحیحش (1/ 525) روایت کرده ، وقول صحیح ابی بن بن کعب است ، باحتمال زیاد مصنف این قول را در تقویت قولی که به امام ابوحنیفه منسوب است آورده وبه حدیثی هم اشاره کرده ونیز نقل قولی از ابن عربی صوفی آورده که فاقد ارزش است در روایات ونقولات بعدی توضیح خواهم داد .

**(122) می گوید :** از یک روایت در الدر المنثور چنان معلوم می شود که عبدالله بن مسعود جستجوی شب قدر را در تمام سال از رسول اکرم ص نقل کردند .
**می گویم :** این حدیث : هر که تمام سال را بخاطر شب لیلة القدر قیام کند آن را در خواهد یافت ، حدیثی ضعیف است ، آنرا ابن مردویه (الدرالمنثور8/571) وابوبکر البزاز وابونعیم اصبهانی در اخبار اصبهان (1/185) روایت کردند ، در سندش عمرو بن أبي قيس است که صدوق ودارای اوهام است ( تقریب وتهذیب التهذیب وتهذیب الکمال) ودر روایت متفرد است بجز او کسی دیگر این روایت را مرفوعا روایت نکرده .

**(123) می گوید :** شیخ العارفین محی الدین ابن عربی می گوید : نزد من قول کسانی که می گویند در تمام سال واقع می شود صحیح تر است زیرا من دوبار آنرا در شعبان دیده ام و ... الخ .
**می گویم :** از آقای کاندهلوی عجیب است که بعد از ذکر احادیث صحیحه که شب لیلة القدر در شبهای طاق ده اخیر است اکتفا نکرده به نقل احادیث ضعیفه واقوال مردوده صوفیان می پردازد که شب قدر در تمام سال است ، اقوال صوفیه در ابواب شریعت فاقد ارزش واعتبار است ، **(\*\*\*)** خصوصا شخص مطعون ومجروحی مثل ابن عربی ، رسول الله ص شب لیلة القدر را می بیند وفراموشش می کند ولی ابن عربی می بیند وفراموشش نمی کند ! ، محققین ابن عربی را مرتد وکافر وخارج از اسلام می دانند ، نظریاتش هیچگونه ارزش علمی ندارد ، ابن عربی ملحد قائل به وحدت الوجود واتحاد وحلول است وهمچنین قائل است که فرعون با ایمان مرده وحضرت نوح ع را کافر می داند وبتان را عین خداوند می داند نعوذ بالله (برای اطلاع بیشتر به عقاید باطله این شخص رجوع شود به کتاب فصوص الحکم ابن عربی وفتوحات مکیه )، محققین وعلمای حنفی ابن عربی را تکفیر کرده ومردم را از کفریات وی بر حذر داشته اند ودر ردش کتابها نوشته اند بعضی از آنها عبارتند از : محمد بن محمد بن ابوبکر البزدوی وملا علی قاری وتلمسانی حنفی وعلاء الدین محمد بن محمد بخاری حنفی وغیرهم ، ابن عربی این کلام را در کتاب الفتوحات المکیه (1/689) طبع بولاق مصر 1269 وچاپ جدید (9/432) با تحقیق عثمان یحیی ، ذکر کرده .

**(124) می گوید :** شاه ولی الله می گوید : شب قدر به رمضان اختصاص ندارد ودر تمام سال واقع می شود.
**می گویم :** شاه ولی الله دهلوی این سخن را در کتاب حجة الله البالغه (2/85) گفته وسخنش قولی بی اساس وبدون دلیل است بلکه بر اساس احادیث صحیحه شب قدر به ماه رمضان ده اخیر اختصاص دارد .

**(125) می گوید :** آنحضرت به یک صحابی شب بیست وسه را بطور تعیین ارشاد فرمودند وابن عباس رض می فرماید : من خوابیده بودم کسی در خواب به من گفت بلند شو امشب ... الخ .
**می گویم :** این حدیث را احمد در مسند وابن ابی شیبه در مصنف روایت کردند ودر سندش فردی بنام سماك بن حرب است که روایتش از عکرمه مضطرب است ودر آخر عمر حافظه اش تغییر کرده

**(126) می گوید :** حدیث ششم : عن عبادة بن الصامت أنه سأل رسول الله صلى الله عليه وسلم عن ليلة القدر فقال: في رمضان في العشر الأواخر فإنهما في ليلة وتر في إحدى وعشرين أو ثلاث وعشرين أوخمس وعشرين أو سبع وعشرين أو تسع وعشرين أو آخر ليلة من رمضان من قامها إيمانا واحتسابا غفر له ما تقدم من ذنبه ومن أماراتها أنها ليلة بلجة صافية ساكنة ساجية لا حارة ولا باردة كأن فيها قمرا ساطعا ولا يحل لنجم أن يرمى به تلك الليلة حتى الصباح ومن أماراتها أن الشمس تطلع صبيحتها لا شعاع لها مستوية كأنها القمر ليلة البدر وحرم الله على الشيطان أن يخرج معها يومئذ .
الدر المنثور عن أحمد والبيهقي ومحمد بن نصر وغیرهم
**می گویم :** هیثمی در مجمع الزوائد (3/175) می گوید : احمد روایت کرده ورجالش ثقه هستند بعضی از قسمتهای این حدیث را شیخ آلبانی ضعیف قرار داده ومی گوید : منقطع است (سلسلة الضعيفة9/393) ومحقق مسند احمد (37/425) می گوید : قسمت اول این حدیث در درجه حسن قرار دارد وقسمت آخرش را احتمال تحسین است وسندش ضعیف است به دو علت : علت اول انقطاع بین ابن معدان وعباده بن صامت وعلت دوم ضعف بقیه بن الولید .

(127) **می گوید :** عبده بن ابی لبابه می فرماید : من شب بیست وهفتم رمضان آب دریا را چشیدم کاملا شیرین بود .
**می گویم :** این اثر را بیهقی در شعب الایمان (5/273) وفضائل الاوقات روایت کرده وعبده بن ابی لبابه از طبقه وسطای تابعین وثقه است .

**(128) می گوید :** ایوب بن خالد می گوید : شبی من احتیاج به غسل پیدا کردم با آب دریا غسل کردم آب دریا کاملا شیرین بود این واقعه در سب یست وسه اتفاق افتاده بود .
**می گویم :** این اثر را بیهقی در شعب الایمان (5/274) از طریق موسی بن عبیده روایت کرده ، وایوب بن خالد را بعضی تضعیف کرده اند وموسی بن عبیده الربذی شدیدا ضعیف است (تهذیبین) .

**(129) می گوید :** عن عائشة رضي الله عنها قالت: قلت: يا رسول الله أرأيت إن علمت أي ليلة القدر ما أقول فيها؟ قال: " قولي: اللهم إنك عفو تحب العفو فاعف عني ".
رواه أحمد وابن ماجه والترمذي وصححه کذا فی المشكاة
**می گویم :** این حدیث صحیحی است ، ترمذی می گوید : حسن صحیح ، شیخ آلبانی می گوید : این حدیث صحیح است .

**(130) می گوید :** حضرت سفیان ثوری می گوید : در شب لیلة القدر اشتغال به دعا از عبادتهای دیگر بهتر است .
**می گویم :** این أثر را بدون سند ابن رجب حنبلی در لطائف المعارف (204) ذکرکرده .

**باب سوم فضیلت اعتکاف**

**(131) می گوید :** ابن قیم می گوید : هدف از اعتکاف این است که دل را به ذات پاک الله ج وابسسته کند ... الخ .
**می گویم :** این کلام ابن قیم در کتاب زاد المعاد في هدي خير العباد (2/82) ذکر شده .

**(132) می گوید :** نویسنده مراقی الفلاح می گوید : اگر اعتکاف با اخلاص باشد ... الخ .
**می گویم :** این مطلب در مراقي الفلاح شرح نور الإيضاح (ص 268) بیان شده .

**(133) می گوید :** در حدیثی آمده : اگر شخصی یک دست به من نزدیک شود من به اندازه دو دست به او نزدیک می شوم ... الخ .
**می گویم :** این حدیث صحیح است در صحیح بخاری (9/121) روایت شده .

**\*\*\*\*\***

**(134)** عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه: أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يعتكف في العشر الأوسط من رمضان، فاعتكف عاما، حتى إذا كان ليلة إحدى وعشرين، وهي الليلة التي يخرج من صبيحتها من اعتكافه، قال: «من كان اعتكف معي، فليعتكف العشر الأواخر، وقد أريت هذه الليلة ثم أنسيتها، وقد رأيتني أسجد في ماء وطين من صبيحتها، فالتمسوها في العشر الأواخر، والتمسوها في كل وتر» ، فمطرت السماء تلك الليلة وكان المسجد على عريش، فوكف المسجد، فبصرت عيناي رسول الله صلى الله عليه وسلم على جبهته أثر الماء والطين، من صبح إحدى وعشرين.
مشکات ، متفق علیه باختلاف اللفظ .
**می گویم :** همانطور که کاندهلوی گفته حدیثی متفق علیه است ، صحيح البخاري (3/48) وصحيح مسلم (2/824) .

**(135) می گوید :** در یک روایت صحیح بخاری ومسلم ، حضرت عایشه رض می فرماید : در دهه آخر آنحضرت ص کمر را محکم می بست وشبها را زنده نگه می داشت واهل خانه را بیدار ... الخ .
**می گویم :** همانطور که کاندهلوی گفته حدیثی متفق علیه است ، صحيح البخاري (3/47) وصحيح مسلم (2/832) .

**(136) می گوید :** عن ابن عباس، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال في المعتكف «هو يعتكف الذنوب، ويجرى له من الحسنات كعامل الحسنات كلها» .
مشکات عن ابن ماجه
**می گویم :** این حدیث را ابن ماجه در سنن (1/567) وبیهقی در شعب الایمان (5/435) روایت کردند ، بیهقی می گوید : در سندش ضعف وجود دارد ، شیخ آلبانی می گوید : این حدیث ضعیف است .

**(137) می گوید :** عن ابن عباس رضي الله عنهما أنه كان معتكفا في مسجد رسول الله صلى الله عليه وسلم فأتاه رجل فسلم عليه ثم جلس فقال له ابن عباس يا فلان أراك مكتئبا حزينا قال نعم يا ابن عم رسول الله لفلان علي حق ولاء وحرمة صاحب هذا القبر ما أقدر عليه قال ابن عباس أفلا أكلمه فيك فقال إن أحببت قال فانتعل ابن عباس ثم خرج من المسجد فقال له الرجل أنسيت ما كنت فيه قال لا ولكني سمعت صاحب هذا القبر صلى الله عليه وسلم والعهد به قريب فدمعت عيناه وهو يقول من مشى في حاجة أخيه وبلغ فيها كان خيرا له من اعتكاف عشر سنين ومن اعتكف يوما ابتغاء وجه الله تعالى جعل الله بينه وبين النار ثلاث خنادق أبعد مما بين الخافقين

رواه الطبراني في الأوسط والبيهقي واللفظ له والحاكم مختصرا وقال صحيح الإسناد كذا فی الترغيب وقال السیوطی فی الدر صححه الحاكم وضعفه البيهقي.

**می گویم :** این حدیث ضعیف ومنکر است بیهقی (شعب الإيمان 5/436) وشیخ آلبانی این حدیث را تضعیف کرده اند ، ودیگر اینکه در این حدیث ضعیف لفظ شرک وجود دارد وآن اینست : **وحرمة صاحب هذا القبر** ،

 

مترجم در ترجمه این می گوید : اشاره به قبر اطهر آنحضرت ص کرده وگفت : سوگند به عزت صاحب این قبر که ... **می گویم :** نزد حنفیه سوگند یاد کردن بغیر الله شرک است ، چطور کاندهلوی در نقل این شرک سکوت کرده وبر خلاف مذهب خود عمل می کند ؟ صاحب هدایه در فقه حنفی می گوید : پیامبر ص فرمودند : هر که بغیر خدا سوگند یاد کند مرتکب شرک شده (الهداية في شرح بداية المبتدي3/158) و (المبسوط للسرخسي16/119) و (بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع للکاسانی 3/8) و(الاختيار لتعليل المختار 4/ 51) و(البناية شرح الهداية6/ 123) و(موطأ امام محمد با حاشیه عبدالحی لکهنوی 3/143)

**(138) می گوید :** علامه شعرانی رح در کشف الغمه ارشاد رسول الله ص را نقل کرده است : هر شخصی در دهه رمضان اعتکاف بکند به او ثواب دو حج ودو عمره می رسد .
**می گویم :** همانطور که کاندهلوی گفته این روایت را عبدالوهاب شعرانی در کتاب کشف الغمه جلد یک صفحه 219 ذکر کرده ، این روایت موضوع وجعلی ودروغین است ، این حدیث را طبرانی وبیهقی روایت کردند بیهقی میگوید : ضعیف است وهیثمی در مجمع الزوائد می گوید : در سندش عنبسه بن عبدالرحمن است که متروک است وشیخ آلبانی می گوید : این حدیث موضوع است ، وشعرانی فردی موثق نیست در کتابهاش تر وخشک صحیح وضعیف ودروغین را جمع آوری نموده بدتر اینکه شرکیات وکفریات زیادی دارد اما کاندهلوی چون مشرب صوفیگری دارد به این آدمهای مزخرف احترام زیادی گذاشته وحتی برایشان رحمت می فرستند همانطور که به ابن عربی ملحد رحمت فرستاده نمونه های از خرافات شعرانی نقل می کنم تا واقعیت این شخص شناخته شود : در کتاب لطائف المنن ( چاپ 1281 ) مصر ، جلد دوم صفحه 110 می گوید :



این متن دقیقا تصویر صفحه کتاب است ، یعنی آنچه خداوند تبارک وتعالی بر من منت گذاشته تغییر در طبیعتم به وجود آمد تا اینکه به درجه ای رسیدم از آموزش دادن آداب جماع نسبت به زنان بیگانه و نا محرم خجالت نمی کشیدم چه برسد به آموزش مردان وبسیار کم هستند افرادی که این برایشان حاصل شود . (نعوذ بالله )

در جائی دیگر می گوید : : مما منَّ الله به عليَّ أن أعطاني قول (كن) فلو قلت لجبل: كن ذهبًا لكان . ، یعنی آنچه خداوند بر من منت نهاده این است که بمن قول (کن) را عطا کرده ، اگر به کوه بگویم : طلا باش ، طلا خواهد شد ، (نعوذ بالله از بالاتر کفری نیست که خود را شریک با خداوند بداند) .مجله المنار (7/281) شماره 16 ربيع الآخر - 1322هـ 30 يونيه - 1904م

مولوی شمس الدین افغانی پشاوری در کتاب جهود علماء الحنفیه فی ابطال عقائد القبوریه صفحه 1016 می گوید : أن الشعراني أحد مشاهير الزنادقة، وكبار الملاحدة، وأئمة القبورية الوثنية: قد فض بكارة زوجته فاطمة فوق ركن قبة قبر وليه وإلهه أحمد البدوي ، یعنی : شعرانی یکی از زندیقان مشهور وملحدان بزرگ وپیشوای قبرپرستان است که بکارت زن خود بر گنبد قبر ولی واله خود احمد بدوی زائل کرده .

زمانی که اینرا خواندم در شک افتادم آیا این مطلب صحت دارد یا نه ؟ چند نسخه از طبقات الکبری در اختیار داشتم پیدا کردن این مطلب کار سختی بود چون آدرسی که شمس الدین داده بود با نسخه های من اختلاف داشت بعد از مطالعه چند ساعته توانستم این مطلب را همانطور که مولوی شمس الدین گفته بود پیدا کردم :

طبقات الکبری جلد اول صفحه 249



الطبقات الكبرى نشر مکتبه محمد الملیجی مصر 1315 هـ (1/158)
ولما دخلت بزوجتي فاطمة أم عبد الرحمن وهي بكر مكثت خمسة شهور لم أقرب منها، فجاءني، وأخذني، وهي معي، وفرش لي فرشاً فوق ركن القبة التي على يسار الداخل، وطبخ لي حلوى، ودعا الأحياء، والأموات إليه، وقال: أزل بكارتها هنا، فكان الأمر تلك الليلة،

یعنی : زمانی که با همسرم فاطمه ام عبدالرحمن ازدواج کردم او باکره بود به مدت پنج ماه بعد از ازدواج باوی همبستر نشدم (روح سید بدوی) آمد ومرا بهمراه همسرم بالای گنبد قبرش برد وبرای من در قسمت چپ در داخل فرشی پهن کرد وحلوایی درست برای من پخت وزندگان ومردگان را دعوت کرد وبعد بمن گفت : پرده بکارتش را همینجا زائل کن وهمین کار در همین شب صورت گرفت ( استغفر الله) .

کفریات وشرکیات وخرافات شعرانی بسیار زیاد هستند فقط چند نمونه ذکر شد تا این شخصیت ومرجع اهل تصوف شناخته شود.

**(139) می گوید :** علامه شعرانی در کشف الغمه ارشاد رسول الله ص را نقل کرده : ... هر شخصی در مسجدی که نماز جماعت ادا می شود **می گویم :** از مغرب تا عشا اعتکاف کند ، الله ج برای او در بهشت یک قصر خواهد ساخت .
این حدیث غزالی بدون سند در احیاء العلوم (1/352) نقل کرده ، عراقی در تخریجش می گوید : لم أجد له أصلا من هذا الوجه ، از این وجه اصل واساسی برای این حدیث نیافتم .

**(140) می گوید :** حدیث : اتق دعوة المظلوم .
**می گویم :** این حدیث صحیحی است متفق علیه .

**(141) می گوید :** عن ابن عباس رضي الله عنهما أنه سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول إن الجنة لتبخر وتزين من الحول إلى الحول لدخول شهر رمضان فإذا كانت أول ليلة من شهر رمضان هبت ريح من تحت العرش يقال لها المثيرة فتصفق ورق أشجار الجنان وحلق المصاريع فيسمع لذلك طنين لم يسمع السامعون أحسن منه فتبرز الحور العين حتى يقفن بين شرف الجنة فينادين هل من خاطب إلى الله فيزوجه ثم يقلن الحور العين يا رضوان الجنة ما هذه الليلة فيجيبهن بالتلبية ثم يقول هذه أول ليلة من شهر رمضان فتحت أبواب الجنة للصائمين من أمة محمد صلى الله عليه وسلم قال ويقول الله عز وجل يا رضوان افتح أبواب الجنان ويا مالك أغلق أبواب الجحيم عن الصائمين من أمة أحمد صلى الله عليه وسلم ويا جبرائيل اهبط إلى الأرض فاصفد مردة الشياطين وغلهم بالأغلال ثم اقذفهم في البحار حتى لا يفسدوا على أمة محمد حبيبي صلى الله عليه وسلم صيامهم قال ويقول الله عز وجل في كل ليلة من شهر رمضان لمناد ينادي ثلاث مرات هل من سائل فأعطيه سؤله هل من تائب فأتوب عليه هل من مستغفر فأغفر له من يقرض المليء غير العدوم والوفي غير الظلوم قال ولله عز وجل في كل يوم من شهر رمضان عند الإفطار ألف ألف عتيق من النار كلهم قد استوجبوا النار فإذا كان آخر يوم من شهر رمضان أعتق الله في ذلك اليوم بقدر ما أعتق من أول الشهر إلى آخره وإذا كانت ليلة القدر يأمر الله عز وجل جبرائيل عليه السلام فيهبط في كبكبة من الملائكة ومعهم لواء أخضر فيركزوا اللواء على ظهر الكعبة وله مائة جناح منها جناحان لا ينشرهما إلا في تلك الليلة فينشرهما في تلك الليلة فيجاوزان المشرق إلى المغرب فيحث جبرائيل عليه السلام الملائكة في هذه الليلة فيسلمون على كل قائم وقاعد ومصل وذاكر ويصافحونهم ويؤمنون على دعائهم حتى يطلع الفجر فإذا طلع الفجر ينادي جبرائيل عليه السلام معاشر الملائكة الرحيل الرحيل فيقولون يا جبرائيل فما صنع الله في حوائج المؤمنين من أمة أحمد صلى الله عليه وسلم فيقول نظر الله إليهم في هذه الليلة فعفا عنهم وغفر لهم إلا أربعة فقلنا يا رسول الله من هم قال رجل مدمن خمر وعاق لوالديه وقاطع رحم ومشاحن قلنا يا رسول الله ما المشاحن قال هو المصارم فإذا كانت ليلة الفطر سميت تلك الليلة ليلة الجائزة فإذا كانت غداة الفطر بعث الله عز وجل الملائكة في كل بلاد فيهبطون إلى الأرض فيقومون على أفواه السكك فينادون بصوت يسمع من خلق الله عز وجل إلا الجن والإنس فيقولون يا أمة محمد اخرجوا إلى رب كريم يعطي الجزيل ويعفو عن العظيم فإذا برزوا إلى مصلاهم يقول الله عز وجل للملائكة ما جزاء الأجير إذا عمل عمله قال فتقول الملائكة إلهنا وسيدنا جزاؤه أن توفيه أجره قال فيقول فإني أشهدكم يا ملائكتي أني قد جعلت ثوابهم من صيامهم شهر رمضان وقيامهم رضاي ومغفرتي ويقول يا عبادي سلوني فوعزتي وجلالي لا تسألوني اليوم شيئا في جمعكم لآخرتكم إلا أعطيتكم ولا لدنياكم إلا نظرت لكم فوعزتي لأسترن عليكم عثراتكم ما راقبتموني وعزتي وجلالي لا أخزيكم ولا أفضحكم بين أصحاب الحدود وانصرفوا مغفورا لكم قد أرضيتموني ورضيت عنكم فتفرح الملائكة وتستبشر بما يعطي الله عز وجل هذه الأمة إذا أفطروا من شهر رمضان .
کذا فی الترغیب وقال : رواه ابو الشيخ ابن حبان في كتاب الثواب والبيهقي واللفظ له وليس في إسناده من أجمع على ضعفه ، قلت قال السیوطی فی التدریب قد التزم البیهقی أن لا يخرج في تصانیفه حديثا يعلمه موضوعا الخ وذکر القاری فی المرقات بعض طرق الحدیث ثم قال فاختلاف طرق الحديث يدل على أن له أصلا . اهـ .
**می گویم :** این حدیث ساختگی ودروغین است ، شیخ آلبانی می گوید : موضوع است ، اما قول نقل قول کاندهلوی از سیوطی که بیهقی در **تصانیفش التزام کرده حدیثی موضوع نیاورد** مطلب کامل بیهقی نیست بلکه قول کامل بیهقی در مقدمه (دلائل النبوة1/69) این است **: ما شرطته في مصنفاتي، من الاكتفاء بالصحيح من السقيم، والاجتزاء بالمعروف من الغريب , إلا فيما لا يتضح المراد من الصحيح أو المعروف دونه فأورده، والاعتماد على جملة ما تقدمه من الصحيح أو المعروف عند أهل المغازي والتواريخ** ، یعنی آنچه در تصانیف شرط کردم این است که از احادیث صحیح وضعیف ، فقط به احادیث صحیح اکتفا کنم به احادیث معروف وشناخته شده قانع شوم واز احادیث غریب به پرهیزم ، مگر در مواردی که معنی ومراد احادیث صحیح ومعروف نیاز به توضیح داشته باشد آنموقع احادیث ضعیفه را جهت تقویت مطلب وبیان ان ذکر می کنم واما اعتماد بر احادیث صحیحه ومعروفه است که قبل از ان بیان شده وآنچه نزد مورخین واهل مغازی معتبر است ، ودر جلد هفت صفحه 229 می گوید : **در ابتدای کتاب شرط کردم که در این کتاب حدیثی را که من موضوع بدانم نمی آورم ،** ممکن است که بیهقی حدیثی را موضوع بداند آنرا نیاورد یا در معنی وتوضیح احادیث صحیحه آنرا بیاورد وهمچنین ممکن است که حدیثی را موضوع نداند وبه گمان وی موضوع نیست وآنرا بیاورد ولی دیگران آنرا بنابر اصول وقواعد حدیثی موضوع بدانند وهمه این احتملات در کتب بیهقی با قاطعیت وجود دارند بعضی جاها می بینیم فقط اشاره به حدیث موضوع می کند وآنرا بیان می کند که موضوع است و از ذکر کامل آن خود داری می کند ، وبعضی جاها حدیث موضوع را جهت بیان وتوضیح مطلب یا در شواهد ومتابعات می آورد ودر این مواقع احادیث ضعیفه وموضاعات را فقط بعد از ذکر احادیث صحیحه می آورد ودر بعضی مواقع احادیث موضوعه وضعیفه ای که از نظر وی موضوع نیستند می آورد ولی از نظر دیگر محققین موضوع هستند اگر کسی با دقت کتب بیهقی را مطالعه کند همه این موارد را خواهد یافت .
اما قول ملا علی قاری : **فاختلاف طرق الحديث يدل على أن له أصلا** ، آنچه در مرقات ذکر شده حدیث ابن عمر است که ملا علی قاری این حدیث موضوع یعنی روایت ابن عباس را در تقویت حدیث ابن عمر ذکر کرده واین غفلت کاندهلوی است که مطلب را بر عکس فهمیده وقول ملا علی قاری هیچ ارتباطی به روایت ابن عباس ندارد .

**(142) می گوید :** آنحضرت ص ارشاد فرموده است : مفلس در میان امت من شخصی است که روز قیامت با اعمال نیک در میدان محشر حاضر می شود ونماز و ... الخ .
**می گویم :** حدیث صحیحی است بروایت صحیح مسلم (4/1997) .

**(143) می گوید :** در بخاری وغیره روایت شده روز قیامت حضرت نوح ع خواسته می شود واز او پرسیده می شود آیا تو حق رسالت را ادا کرده ای ؟ واحکام ما را ... الخ .
**می گویم :** حدیث صحيحی است در صحیح بخاري (6/21) .

**(144) می گوید :** ابن عمر رض از آنحضرت ص نقل می کند که روز قیامت ، الله ج یک بنده مومن را پیش خود می خواند وبر او پرده ... الخ .
**می گویم :** این حدیث را طبرانی در المعجم الكبير جـ 13، 14 صـ 90) روایت کرده ، هیثمی می گوید : در سندش قاسم بن بهرام است واو ضعیف است (مجمع الزوائد7/37) دار قطنی می گوید : متروک است ودر جای دیگر می گوید : ضعیف است (موسوعه اقوال الدارقطنی (2/522) ذهبی می گوید دارای عجایب است ، ابن حبان می گوید : در هیچ حالتی احتجاج به وی روا نیست (ميزان الاعتدال3/369)

**(145) می گوید :** ارشاد رسول الله ص است هر شخصی به نیت ثواب در شبهای هر دو عید بیدار باشد ودر عبادت مشغول باشد قلب او در روزی که همه قلبها بمیرند نخواهد مرد .
**می گویم :** این از دو طرق روایت شده طریق اول دروغین وساختگی است (سلسلة الضعيفة11/268) وطریق دوم شدیدا ضعیف است (سلسلة الضعيفة2/11) وعبادات امور توقیفی و وابسته به نص صحیح هستند وشب زنده داری در شبهای عید به اثبات نرسیده بنابر این بر اساس فتوای (فتاوى اللجنة الدائمة8/170) شب زنده داری در این دو شب عید سنت نیست بلکه بدعت است .اهـ ، اگر چه بعضی از فقها قائل به استحبابند قول فقها در این باب بی ارزش است .

**(146) می گوید :** در یک حدیث ارشاد شده هر شخص در پنج شب برای عبادت بیدار بماند برای او جنت واجب می گردد یکم : شب ترویه شب هشتم ذی الحجه ، دوم : شب عرفه شب نهم ذی الحجه ، سوم ... الخ .
**می گویم :** این حدیث دروغین وساختگی است ، اصبهانی در (الترغیب1/248) روایت کرده ، مبارکپوری در شرح مشکات (4/342) می گوید : ضعیف است ، منذری در الترغیب (2/98) با لفظ روی تضعیفش کرده ، شیخ آلبانی در ضعیف الترغیب (1/168) می گوید : موضوع است .

**(147) می گوید :** بعضی از بزرگان ارشاد فرموده اند به شبهای جمعه در رمضان مبارک باید اهتمام خاصی ورزید زیرا جمعه وشب جمعه اوقات بسیار با برکتی هستند در احادیث فضیلت آنها زیاد وارد شده است ، اما چون در بعضی روایات از اختصاص دادن فقط شب جمعه برای عبادت منع شده است لذا بهتر است که بهمراه با شب جمعه یک یا دو شب دیگر را هم اضافه کند .
**می گویم :** اکثر روایات در فضیلت شب جمعه ضعیف وموضوع ودروغین هستند ، وعبادت شب جمعه با اضافه کردن یک یا دوشب جایز نیست چون نصی در این باب از شارع وجود ندارد ، اما در مورد روزه نص صریح وصحیح وجود دارد ، وقیاس شب جمعه بر روزه روز جمعه قیاسی باطل وبی اساس است چون اصل در عبادات منع وتوقف است مگر اینکه نصی صریح از طرف شارع باشد واحکام شرعی را نمی توان با قیاس ثابت نمود ، وروایت نهی از اختصاص دادن شب جمعه را به عبادت ، امام مسلم در صحیح (2/801) روایت کرده بر اساس همین روایت وقواعد اصولی برخی از بزرگان عبادت شب جمعه را بدعت بشمار آوردند .

بیست ونهم رمضان 1390 هـ ش